

مفهوم امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن

حمیدشکوهی فرد^۱

^۱ کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام مرکز آموزش غیر حضوری و مجازی امام خمینی (ره) قم

abomohammadhasan72@gmail.com

چکیده:

امنیت بنیادی ترین نیاز هر جامعه و مهم ترین عامل برای دوام زندگی اجتماعی به شمار می رود و از این رو از گذشته های دور مورد توجه صاحب نظران و نظریه پردازان بوده است. ماندگاری جوامع در گرو امنیت است و در نبود آن هرج و مرج و آنارسی واقعیت صحنه خواهد بود. نظریه پردازان بسیاری، از خواجه نظام الملک، تا بیهقی و غزالی هابز و بدن و ماکیاولی در دفاع از امنیت و ضرورت آن در جوامع، حتی به دفاع از خودکامگان پرداخته اند. آنان در بیم از بی نظمی و ناامنی، که شالوده های اجتماعی را مخدوش می کرد و در پاسخ به این نیاز بشری و اثبات نظم اجتماعی، گفتمان های نظری خود را مطرح کرده اند. امنیت در اندیشه اسلامی نیز جایگاه ویژه ای دارد و به عنوان مثال، در حدیث نبوی آمده است که: «الامن و العافیة نعمتان مغبون فیها کثیراً من الناس» (امنیت و تندرستی دو نعمتی هستند که بسیاری مردمان در آن ها مغبون اند)[1].

کلمات کلیدی: امنیت، روش تحقیق، تاریخ اسلام، اجتماعی، حیات.

مقدمه:

بحث امنیت پیشینه طولانی دارد. برخی از اندیشمندان معتقدند اساساً علت اصلی تجمع انسانها نیاز آنان به امنیت بوده و چون به صورت فردی قادر به امنیت خود نبودند لذا به زندگی اجتماعی روی آورده اند، بنابراین بشر از همان بدو خلقتش به مساله امنیت نیاز مبرم داشته و هیچگاه فارغ از دغدغه های آن به سر نبرده است. اما با پیدایش اجتماعات و شکی گیری جامعه به مساله امنیت اهمیت به سزایی پیدا کرد. اسلام امنیت را اصلی مهم و اجتناب ناپذیر برای ادامه حیات فرد و جامعه قلمداد می کند. حتی دانشمندان و پژوهشگران دانش اجتماعی نیز به این مساله اعتقاد دارند که امنیت، اصلی بنیادین در حفظ و تداوم حیات جامعه و فرد است، بطوری که برخی شکل گیری و جامعه پذیری انسان را مرهون امنیت می دانند.

تا زمانی که بشر درصد برآوردن نیازهایی انسانی است و از یاد خدا غافل است نمی تواند وجدانی آرام داشته باشد گویا کسی از درون فریاد بر می آورد که آنچه او به دنبالش است هدفی واقعی نیست و به جای آرام و قرار گرفتن، دل مشغولی هایش بیشتر می شود. انسان هایی که پیوسته به یاد خدایند باز هم خوف از خداوند دارند. تا چه رسد به کسانی که به همه چیز می اندیشند جز خدا، کسی که از خود بی خود است و به خدا می پیوندد و او مطمئن است تمام وجودش در امنیت و آرامش قرار می گیرد و ترسی از غیر خدا ندارد. گاهی بعضاً انسانها به خاطر از دست دادن دنیای خویش مضطرب و پریشان هستند و هر قدر به آن دست می یابند، اضطراب آنها بیشتر می شود. و هیچ گاه آرامش پیدا نمی کنند و مصداق این آیه شریفه قرار می گیرند که خداوند می فرماید:

و من اعرض عن ذکری فان له معیسه ضنکا و نحشره یوم القیامه اعمی^۲.

«هر کس از یاد من عفلت ورزد زندگانی بر او سخت و روز قیامت کور بیرون می آید»

ممکن است انسان چند روزی به امنیت و آرامش دست پیدا کند، دنیای خویش را آباد چند روزی به تن پروری مشغول باشد، اما باز هم به دنبال افزون طلبی خویش است چرا که نفس آدمی سیرناپذیر است.

در قرآن کریم و روایات دستورات و مطالب زیاد و متنوعی برای رسیدن انسان و جامعه به کمال نهایی بیان شده است، یکی از این دستورات امنیت فرد و جامعه است و از آن به عنوان یکی از مقدس ترین آرمانهای بشری و الهی یاد نموده است. در همین راستا می توان به حدیثی از امام صادق (ع) اشاره کرد که می فرماید: «النعم فی الدنیا: الامن و صحه الجسم، و تمام النعمه فی الاخره: دخول الجنة»^۳ «آسودگی و خوشی در دنیا دو چیز است: یکی امن و امنیت و دیگری سلامت جسم و جان، و تمام نعمت ها در آخرت هم ورود به بهشت الهی است»^[2]

به بیان دیگر امنیت نخستین و مهمترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی، به همین دلیل ابراهیم (ع) هنگامی که بنای کعبه، نخستین چیزی را که از خدا برای آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود، «رب اجعل هذا البلد آمنا»^۴ «در این مکان (هنگام صبح) مسلمانان همگی می آموزند که چگونه می توان با عقاید مختلف با کمال امنیت زندگی کرد».

^۲ طه، ۱۲۴.

^۳ شیخ صدوق، معانی الاخبار، (بی جا: اسلامی، ۱۳۶۱ ه.ش)، ص ۴۰۸.

^۴ ابراهیم، ۳۵.

دنیا طلبی و دوری از خدا و عدم توجه به تعالیم دینی و حقوق انسانها باعث جنگ و ستیز میان انسانها شده و باعث می شود که پیوسته دست به شورش برداشته و با سلاحهای مرگبار یکدیگر را مورد تهاجم قرار دهند چنانچه در روزگار فعلی این مساله را به طور علنی می بینیم. همه اینها از افزون طلبی، فاصله گرفتن از خدا و گم کردن راه صحیح بشریت است که در جوامع امروزی اتفاق می افتد و از طرفی گرایش به دنیا و غافل شدن از خدا چنان قلب انسان را مکدر و سیاه می کند که مصداق این آیه شریفه قرار می گیرد.

«کلا ان الانسان لیطغى ان راه استغنى» ۵. «چرا انسان وقتی به دارایی های ناچیز دنیا می رسد سرکش و مغرور می شود و از کفر و طغیان دست بر نمی دارد» ۶

درباره امنیت هر کدام از مکاتب دین و بشری دیدگاه هایی را ارائه داده اند که در این میان دین اسلام توجه ویژه ایی به موضوع نموده است. حال با توجه به مطالب مذکور لازم است بررسی شود که چه چیزی انسان را به امنیت کامل و حقیقی می رساند؟ و دیدگاه آیات و روایات در این زمینه چه می باشد؟ و پرسش اساسی در این جا این است که، امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست؟

در زمینه موضوع امنیت از دیدگاه قرآن و روایات کار تحقیقی و پژوهشی جامعی صورت نگرفته و یک اثر که بتواند با توجه به ویژگی های امنیت و شرایط آن به بررسی این مساله پرداخته باشد کمتر به چشم می خورد. اما به صورت پراکنده و تحت عناوین مختلف به صورت حاشیه ای و جزئی که در کتب این مقوله مورد توجه قرار گرفته است.

چند مورد از کتابهایی که درباره امنیت مطالبی یادآور شده اند عبارتند از:

۱) کتاب «سیمای امنیت در نهج البلاغه» ۷ امنیت از دیدگاه حضرت علی (ع) را بررسی کرده و به امنیت اقتصادی و قضایی پرداخته ولی امنیت از سایر ابعاد بررسی نشده است.

۲) کتاب «وحدت و امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری» ۸ نوشته سلمان شایان فر، به تبیین ابعاد امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته است و عوامل بسترساز امنیت و نا امنی را ذکر است ولی امنیت از دیدگاه قرآن را بررسی نکرده است.

۳) کتاب «امنیت ملی و نظام بین المللی» ۹ اگر چه به عوامل تهدید کننده امنیت ملی در ابعاد داخل و خارجی پرداخته و سپس به دگرگونی های امنیت ملی انگاشته است ولی امنیت از دیدگاه قرآن و روایات را که موضوع ما است مورد بررسی قرار نگرفته است.

۴) «چهره متغیر امنیت ملی» ۱۰ عنوان کتابی است که توسط رابرت ماندل به رشته تحریر درآمده، نویسنده ابتدا به تحولات جهانی در سالهای پایانی دهه هشتاد میلادی و دگرگونی مفهوم امنیت ملی در طی این دهه اشاره کرده و به ارائه تعریفی از مفهوم امنیت می پردازد، سپس به بررسی ابعاد گوناگون امنیت پرداخته و سرانجام به چند چالش عمده امنیتی که احتمالاً در آینده رخ خواهد داد اشاره می کند ولی در این اثر به بیان امنیت از دیدگاه اسلام پرداخته است.

۵ علق، ۶ و ۷.

۶ قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ چهارم، (قم: انتشارات امیرالمومنین (ع)، ۱۳۷۶).

۷ منصور طبیعی، سیمای امنیت در نهج البلاغه، (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۷۹).

۸ سلمان شایان فر، وحدت و امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری، (تهران: نذیر، ۱۳۸۰).

۹ جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین الملل، (تهران: سمت، ۱۳۷۴).

۱۰ رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹ ش).

بنابراین با توجه به نارسایی های موجود ، محقق بر آن است که ، یک اثر مستقل تدوین کند.

بهترین فایده تحقیق حاضر این است که می تواند به عنوان یک امر نسبتاً مستقل و جامع که به بررسی امنیت از دیدگاه قرآن و روایات می پردازد ،

قابل استفاده عموم محققین واقع گردد. و در مراکز متعددی از جمله مراکز زیر مورد استفاده قرار گیرد.

۱-وزارت امور خارجه ۲-وزارت کشور و نیروهای نظامی و انتظامی ، اعم از سپاه ، ارتش ، بسیج و دانش پژوهان ، که متولیان امر امنیت قرار می گیرند و

با امنیت فردی و اجتماعی مردم سرکار دارند. ۳-کمیته احزاب سیاسی ، جناحها و جریانهای سیاسی فعال در کشور و رسانه های گروهی اعم از رادیو ،

تلویزیون ، مطبوعات و ...

امنیت در لغت

از ماده «امن» در امان بودن از خطر ، و نداشتن ترس ، آرامش ۱۱ از این دیدگاه ، در بسیاری از کتابها تعریف های گوناگونی از امنیت آمده است که

برخی از آنها عبارتند

از :

۱-«امن» در اصل به معنی آرامش روح و سکینه و از بین رفتن ترس است.» ۱۲

۲-«امن» یعنی ایمنی ، آرامش قلب و خاطر جمع بودن» ۱۳ (سوره بقره آیه ۲۸۳)

۳-«امن» یعنی بی ترس ، اطمینان ، آسایش و آرامش قلب» ۱۴

۴-در فرهنگ لغت عربی به فارسی المنجد ، کلمه (الامن) را مصدر امن معرفی کرده به معنی اطمینان یافتن ، برطرف شدن بر ترس و بیم ، و آرامش

خاطر و اطمینان قلبی ۱۵ آمده است.

حاصل امنیت ، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است ، امن و امانت و امان در اصل مصدر هستند و به حالت و وضعی اطلاق می

شود که انسان در آرامش باشد. گاه نیز بر چیزهایی اطلاق می شود که انسان بر آن امانتدار و امین است. ۱۶ در فرهنگ قرآنی امنیت فردی را باید در

ایمان واقعی و آرامش روحی و اطمینان و طمأنینه نفس و یاد خداوند متعال جستجو کرد چنانکه در سوره رعد آیه ۲۸ آمده است : آگاه باش که دل با

یاد خدا آرامش می یابد : الا بذکر الله تطمئن القلوب.

و در آیه «انا عرضنا الامانه علی السماوات و الارض» ۱۷ گفته شده-امانه- در این آیه توحید و عدالت و حروف تهجی و عقل است ۱۸ که موضوع بحث

تحقیق نمی باشد.

۱۱ حسن انوری ، فرهنگ بزرگ سخن ، (تهران : سخن ، ۱۸۱ ، ش) ، ص ۵۷۰.

۱۲ راغب اصفهان ، معجم مفردات الفاظ القرآن ، (تهران : کتاب فروشی مرتضوی ، ۱۳۷۳ ش) ، ص ۱۰۳.

۱۳ سید علی اکبر قریشی ، قاموس قرآن ، (تهران : دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۶۱ ش) ، ص ۱۲۳.

۱۴ حسن عمید ، فرهنگ عمید ، (تهران : سازمان چاپ و انتشارات جاویدان ۱۳۵۴) ، ص ۲۳۳.

۱۵ لوییس معلوف ، المنجد ، ترجمه مثنوی رحیمی اردستانی ، (تهران : صبا ، ۱۳۷۷) ، ص ۳۵.

۱۶ روشندل ، پیشین ، ص ۱۳.

۱۷ احزاب ، ۷۲.

۱۸ راغب اصفهانی ، پیشین ، ص ۲۰۶.

کلمه آرامش هم خانواده امنیت است و برای تبرک و اینکه آرامش چه جایگاهی در سرشت و روان آدمی دارد از کلمات گهربار مولای متقیان علی (ع) که در نهج البلاغه آمده است اشاره می کنیم: «و من اقتصر علی بلغه الکفاف فقد انتظم الراحة و تبوا حفظ الدعاء...» ۱۹ آن کس به مقدار کفاف اکتفا کند به آسایش و راحتی دست یافته و وسعت و آرامش و امنیت کامل به دست آورده است.

و اما یکی از کلمات مهم و هم خانواده امنیت، که در قرآن و بسیاری از روایات آمده است کلمه ی زیبای سکینه است. خواجه عبدالله انصاری سکینه را اینگونه معرفی میکند: «سکینه: در لغت به معنی امنیت و آرامش است» و از قول ابن عربی می گویند: سکینه از طمأنینه حاصل است و آن امنیت خاطر است که هنگام نزول امر غیب پیش می آید در آیات شریفه قرآن سکینه طوری عنوان شده که گوئی شیئی بوده است که وجود خارجی داشته و به اختلاف از آن نام برده اند. ۲۰

که در همین رابطه خداوند متعال در قرآن کریم به آیه ۲۴۸ از سوره بقره اشاره به صندوقی می کند و می فرماید:

«ان آیه ملکه ان یاتیکم التابوت فیہ سکینه من ربکم و بقیه مما ترک آل موسی و آل هارون» ۲۱

همانا نشانه سلطنت او این است که به سوی شما صندوقی می آید در آن چیزی است که موجب آرامش و امنیت خاطر شماست که الواح بازمانده از خانواده موسی و هارون است.

از این آیه شریفه بدست می آید، که این تابوت هر چه بوده خاصیت آرامش بخشی و موجب امنیت روانی و آرامش خاطر بنی اسرائیل بوده است و از همین روز هنگام جنگ برای پیروز شدن بر علیه دشمنان آن را همراه خود می بردند و در پیشاپیش لشکر قرار می دادند.

همچنین گفتیم یکی دیگر از هم خانواده های امنیت، آسایش است و آسایش اسم مصدر از آسودن است و برای نمونه سخنی از امام صادق (ع) می آوریم که حضرتش فرمود:

خداوند به عدل و حکمت و علم خویش آسایش و شادی را در یقین (به خدا) و خوشنودی از (تصرفات) خدا قرار داده است (کسی که به وجود خداوندی مهربان یقین داشت و از تصرفاتش درباره خود که همه محض خیر و صلاح او است خوشنود بود همواره در آسایش و شادی به سر می برد). غم و اندوه را در شک (به وجود خدا و اینکه آنچه بر او می گذرد زیر نظر خدا هست یا نه) قرار داده پس همیشه از خدا راضی باشید و کارتان را به او واگذارید (تا همیشه آسوده و شاد باشید). ۲۲

امنیت در اصطلاح

امنیت از این زاویه بر خلاف ظاهر ساده آن در نظر مردم، دارای مفهوم متنوع و در عین حال مبهمی می باشد. تعاریف مختلفی ارائه شده است که بعضی از آنها به شرح ذیل است:

۱۹ نهج البلاغه، سید رضی (گردآورنده)، ترجمه محمد دشتی، (قم: الهادی، ۱۳۸۲)، حکمت ۳۷۱.

۲۰ خواجه عبدالله انصاری، مقامات معنوی، توجیه سیمین بینا، ج ۳، چ دوم، (تهران: بی تا، ۱۳۷۴)؛ ص ۴۵.

۲۱ بقره، ۲۴۸.

۲۲ علامه مجلسی (ره) بحار الانوار، ج ۷۵، (بیروت، الوفاء، ۱۳۷۵ هـ)، ص ۳۴.

تعریف لیپمن : «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ ، بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ و در صورت اقدام به جنگ

بتواند آن را پیش ببرد» ۲۳

«امنیت مصونیت از تعریف و تصرف اجباری بودن رضایت است ، و در مورد افراد به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عامل حقوقی مشروع آنان را تهدید ننماید» ۲۴ «امنیت یعنی آزادی نسبی از تهدیدات زیان آور» ۲۵

امنیت در فرهنگ علوی بر نعمت تاکید شده و در روایات از پیامبر اکرم (ص) آمده است ، «الامن و العافیه نعمتان مغبون فیها کثیر من الناس» امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند» ۲۶.

از امام صادق روایت است که فرمودند :

خمش من لم یکم فیه ام یتهننا لعیش : الصحه و الامن و الغنی و لقناعه و الانیس الموافق.

پنج چیز است که اگر کسی آنها را نداشت زندگی بر او گوارا نخواهد بود : سلامتی ، ایمنی ، بی نیازی ، به موجودی خود بسنده کردن و انیس همدم. ۲۷
امیر مومنان علی (ع) می فرماید : «اگر زمین و آسمان نا امن گردند ، لیکن اگر تو خدا ترس باشی ، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای تو خواهد گشود و به جز از باطل ، از هیچ چیز وحشت مدار» ۲۸

مقام معظم رهبری ، در بیانات گوهر بار خویش می فرماید : «... امنیت نعمت بزرگی است . در قرآن هم راجع به امن و امنیت سخن رفته است. در هر جامعه ای ، زمینه لازم برای پیشرفت های مادی و معنوی امنیت است... لیکن شرط حرکت عظیم اجتماعی برای یک ملت ، در درجه اول امنیت است.» ۲۹.

با بررسی این سیر و بیان تعاریف گوناگون که از امنیت ارائه شد ، یک تعریف که تمام دیدگاههای مذکور را نسبت به امنیت در بر گیرد ، این است که بگوییم :

امنیت در چهارچوب حفظ نظام اسلامی و در حدوده احکام مبین اسلام می باشد. چون به تعبیر حضرت علی (ع) این اسلام است که امنیت را اعطاء کرده است و اگر امنیت بخواهد وجود داشته باشد ، باید در چهارچوب اسلام باشد. آزادی ، توطئه و بی بند و باری ، مخرب امنیت و ضد توسعه کشور می باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم بر این نکته تاکید شده است. ۳۰

تاریخچه امنیت

۲۳ رابرت ماندل ، پیشین ، ص ۴۹.

۲۴ برزگر ، پیشین ، ص ۱۳.

۲۵ فرهاد درویشی ، «کلیاتی پیرامون امنیت ملی» ، فصلنامه بررسی های نظامی ، سال سوم ، شماره ۱۲ ، (زمستان ۱۳۷۱) ، ص ۱۴.

۲۶ نهج الفصاحه ، گردآورنده : ابوالقاسم پاینده ، (اصفهان : خاتم الانبیاء ، ۱۳۸۳) ، ص ۶۷.

۲۷ مجلسی ، پیشین ، ج اول ، ص ۸۳ ، حسینی دشتی ، پیشین ، ص ۲۵۳.

۲۸ دشتی ، پیشین ، خطبه ۱۱۱.

۲۹ معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه ، راهبردهای ولایت ، (تهران : مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه ، ۱۳۷۹ ش) ، ص ۶۷.

۳۰ محمد مهدی باباپور ، درآمدی بر سیاست و حکومت در نهج البلاغه ، (بی جا : آل محمد ، ۱۳۸۱ ، ش) ، صص ۱۹۶-۱۹۵.

می توان گفت : امنیت از اساسی ترین نیازهای ضروری و اولیه بشر است که با آفرینش او همراه بوده و پاسخ گویی به یگر نیازها در سایه هستی آن تحقق می یابد و مضاف بر این رفع کامل نیازهای فیزیکی مانند نیاز به آب و غذا نیز با استمداد از امنیت صورت می گیرد ، همراه بودن نیاز به امنیت با آفرینش انسان و توجه شدید وی به این نیاز ، آن را در ردیف نیازهای فطری بشر درآورده است. ۳۱

بشر کذایی برای به وجود آوردن امنیتی که در سایه آن ، زن و فرزند ، خواب و خوراکش مرتب باشد و بتواند مال خویش را حفظ کند کوششها کرد و زحمتهای کشید و آنگه توانست غذای خود را بدون رنج و زحمت رساندن به دیگران استفاده ، از امنیت برخوردار بود ، ولی آن گاه که حیوانات بیابان و بشر همنوع وی دست به خوردن همنوع خود می زد و یا خوراک و وسایل زندگی او را بغارت می برد ، زندگی را برایش تلخ می کرد و از نعمت امنیت محرومش می ساخت. با این بیان ، آسایشی که در خوردن ، خوابیدن و زندگی کردن ، وجود داشته باشد ، امنیت را برای ما مجسم می سازد.

اما این نکته را نمی توان انکار کرد که هر قدر بر تشکیلات اجتماعی بشر افزوده می شود و افراد دور یکدیگر جمع می گردند ، اسباب ناراحتی بشر بیشتر فراهم می شود ، و روی همین حساب ، امنیت حقیقی آن است که تمام افراد جامعه در آسایش باشند و در نعمت امنیت به سر ببرند ولی گاهی این لغت ، به طور دیگری تفسیر می شود و آسایش عده معدودی ، مقدم بر هستی و زندگی تمام افراد قرار می گیرد. ۳۲

برای نمونه : «در اوگاندا (آفریقا) برای به وجود آوردن امنیت داخلی و یا جلوگیری از اختلافات داخلی ، موقعی که پسری به جای پدر بر تخت سلطنت می نشست اول ، بیشتر برادران و سپس آن دسته از خواهرانش را که عروسی کرده و یا بچه دار شده بودند به قتل می رسانند...» ۳۳

باری امنیت ، آسایش تمام اعضاء جامعه و تمام افراد مملکت است و هر گاه سعادت و راحتی عده ای در معرض خطر قرار گرفت ، آن جامعه و مملکت امنیت ندارد.

امنیت همواره از آرزوهای دیرینه بشر بوده است. حضرت ابراهیم (ع) وقتی خانه خدا را بنا می کند ، یکی ، معبوث شدن پیامبری از میان فرزندان و دیگری ، امنیت این مکان برای همه مردم از خداوند درخواست می کند. خداوند هر دو دعای او را مستجاب فرمود. حضرت ابراهیم(ع) چنین دعا کرد : پروردگارا در میان فرزندان ما رسولی را مبعوث کن که آیات تو را برای مردم تلاوت کند «ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک» ۳۴

حضرت محمد (ص) فرمود : «من مصداق استجاب دعای پدرم ، ابراهیم هستم» ، «انا دعوه ابی ابراهیم» ۳۵ آنگاه که در زمان بنای کعبه فرمود : «ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک»..

حضرت ابراهیم (ع) به خداوند عرضه داشت : «پروردگارا اینجا را محل امن و آسایشی قرار بده» . «رب اجعل هذا البلد آمناً» ۳۶.

خداوند نیز دعایش را مستجاب کرد و نعمت امنیت را برای این مکان قرار داد و فرمود : در آن خانه ، آیات ربوبیت هویدا است و مقام ابراهیم خلیل است. هر که در آنجا داخل شود ، در امان است ، «فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً» ۳۷

۳۱ شریعتمدار جزایری ، امنیت در فقه سیاسی شیعه ، فصلنامه علوم سیاسی ، شماره نهم ، (تابستان ۱۳۷۹) ، ص ۵.

۳۲ مصطفی زمانی ، اسلام و تمدن جدید ، چ ۱۵ ، (قم : پیام اسلام ، ۱۳۶۸ هـ) ، صص ۴۸-۴۹.

۳۳ رالف لیستون تاریخ آفریقا ، ترجمه پروزی مرزبان ، چ دوم ، (تهران : سازمان کتابهای جیبی ، ۱۳۴۲) ، ص ۴۲.

۳۴ بقره ، ۱۲۹.

۳۵ ابن سعد ، طبقات الکبری ، (بیروت : بی نا ، بی تا) ، ص ۱۴۹.

۳۶ بقره ، ۱۲۶.

۳۷ آل عمران ، ۹۷.

خداوند در سوره تین به این اوصاف شهر مکه اشاره می فرماید: «سوگند به این شهر (مکه معظمه) امن و امان، «و هذا البلد الامین»^{۳۸} همچنین در توصیف بهشت، آن را به عنوان امن و آسایش معرفی می کند «داخل بهشت شوید، در حالی که دارای سلامت بر امنیت هستید»، ادخلوها بسلام امنین.^{۳۹}

امنیت در دیدگاه قرآن کریم، آن قدر مهم است که هم به عنوان اوصاف مقدس ترین مکان دنیا (مکه معظمه) و هم جزء اوصاف والاترین کان قیامت یعنی بهشت شمرده می شود.

ارزش و جایگاه امنیت در قرآن

از آنجا که امنیت و احساس آسودگی، اهمیت و ارزش فراوانی در زندگی بشر دارد، این سخن پسندیده، به حق شهرت فراوانی یافته، که گفته می شود «بعد از نان و قبل از آزادی مهمترین خواسته بشر امنیت است»^{۴۰}

اسلام امنیت را یکی از اصول زندگی و حالتی اجتناب ناپذیر در زندگی جمعی و عنصری، ضروری در بهره وری از مزایا و موهب حیات، و نیز زمینه ساز تکامل و ارتقاء بشر تلقی کرده است و از آن به عنوان یکی از مقدس ترین آرمانهای بشری و الهی یاد نموده است.^{۴۱} با بررسی آیات و روایات پیرامون امنیت می توان دیدگاه اسلام را در زمینه ارزش و جایگاه آن بدست آورد.

۱-ایمان به معنای باور همراه با عمل که برای انسان امنیت به ارمغان می آورد و در قرآن و نصوص اسلامی به مقدس ترین سرمایه انسانی اطلاق شده است، و موهبتی است که نجات و سرفرازی و نیک بختی و تعالی و سرنوشت انسان به آن بستگی دارد و تمامی وده های الهی به وجود آن موکول گشته است و ایجاد آن در قلب فرد و دل جامعه عمده ترین هدف و رسالت دین معرفی شده است.^[3]

و این نشانگر ارزش والای امنیت و قداست آن در تعالیم وحی و آئین اسلام می باشد، ارزشی که ایمان با تمام اصالت و بهای عظیمی که دارد، به خاطر آن است که خود راهی و وسیله ای برای رسیدن به آن ارزش، یعنی امنیت است. در قرآن به والاترین انسانها تعبیر «والذین آمنوا» اطلاق شده و امن را به دو معنی تفسیر کرده اند. نخستین به معنی کسانی که خود را به مقام امن رسانده اند دوم آنکه آنها دارای امنیت و برخوردار از آن گشته اند.

۲-امانت که در اسلام تاکید بر حراست از آن و منع اکید از خیانت نسبت به آن شده «و تخونوا اماناتکم ۴۲ بدان جهت به این نام نامیده شده که مایه آرامش خاطر و امنیت است و همین گوهر مقدس است که به امانت چه بشری و چه الهی، ارزش و قداست بخشیده است. «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها»^{۴۳}

۳-قرآن مقدس ترین مکان را که کعبه است به صفت امن توصیف می کنند: «و اذجعلنا البیت مثابه للناس و امناً»^{۴۴} و نیز حرم الهی و سرزمین مکه را به مکان امن تعبیر می کند: «اولم نمکن لهم حرماً آمناً»^{۴۵}

^{۳۸} تین، ۳.

^{۳۹} حجر، ۴۶.

^{۴۰} عباس نیکزاد، دین و امنیت، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی و راهکارهای توسعه، مازندران (بهمن ۱۳۸۱)، ص ۷۷.

^{۴۱} عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج سوم، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۷)، ص ۳۶۳.

^{۴۲} انفال، ۲۷.

^{۴۳} نساء، ۵۸.

- همچنین امنیت را به عنوان ارمان الهی به کسانی که در این حرم قدس پروردگار آرمیده باشند ، عطا نموده است «و من دخله کان آمناً» ۴۶.
- ۴- در قرآن شهری که برخوردار از امنیت است به عنوان الگو و نمونه و سرزمین ایده آل آمده است : «و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه» ۴۷.
- ۵- روز سرنوشت ، وقتی انسانهای صالح گام در جنت می نهند به آنها نوید امنیت داده می شود: «ادخلوها بسلام آمنین» ۴۸.
- ۶- امنیت بزرگترین پادشاهی است که در تمیز اهل حق از باطل به اهل حق اعطاء می شود ، فای القریقین احق بالامن. ۴۹.
- ۷- امنیت بالاترین نویدی است که به جامعه برین در راه ایمان و عمل صالح داده می شود و نیز بالاترین سطح ارتقاء و تعالی بشری است که در آن مرحله تکامل انسان تضمین شده است : «لیبدلنهم من بعد خوفهم آمناً» ۵۰.
- ۸- احساس امنیت حالتی است که قرآن آن را چون امدادی الهی شامل حال کسانی می شمارد که در زمره مجاهدان در راهش باشند : «ثم انزل علیکم من بعد الغم امنه نعاساً» ۵۱.
- در این آیه امنیت به گونه ای توصیف شده که از فرط آرامش ، موجب رخوت و فرو رفتن در خواب می شود جریان این آیه مربوطه به غزوه احد است که مسلمین پس از یک شکست همراه با هزیمت به پیروزی و امنیت رسیدند. ۵۲.
- ۹- «اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم همان احساس وجود امنیت است» ۵۳.
- ۱۰- پوینده راه خدا را که طلب امنیت الهی است از خشونت اخلاقی منع فرمود : « و زنده بودن عقل را در خودش خلقی و کشتن نفس می داند... و توصیه می کند که در مصائب به خدا پناه ببرید که سر رشته تمام امنیت ها در دست خدای یگانه است» ۵۴.
- ۱۱- از امام رضا (ع) روایت است که فرمود :
- از جمله فوائد ایمان به خدا این است که مردم ممکن است در آشکارا از یکدیگر بترسند یا شرم کنند ولی دور از چشم یکدیگر باید کسی را ناظر بر خود بدانند تا دست از فساد و تباهی بردارند وگرنه امنیت و نظم از جامعه رخت بریند و در خلوت به یکدیگر خیانت کنند. ۵۵.
- ۱۲- امام صادق (ع) می فرماید : «گرسنگی و نا امنی به شیعیان ما سریع تر است از دویدن اسب» ۵۶.

۴۴ بقره ، ۱۲۵.

۴۵ قصص ، ۵۷.

۴۶ آل عمران ، ۹۷.

۴۷ نحل ، ۱۲۴.

۴۸ حجره ، ۴۶.

۴۹ انعام ، ۸۱.

۵۰ نور ، ۵۵.

۵۱ آل عمران ، ۹۹ ، ۱۵۴.

۵۲ امید زنجانی ، پیشین ، صص ۳۶۴-۳۶۳.

۵۳ دشتی ، پیشین ، خطبه ۱۵۱.

۵۴ همان ، خطبه ۲۲۰.

۵۵ مجلسی ، پیشین ، ج ۷۸ ص ۲۳۴.

۵۶ حسینی دشتی ، پیشین ، ج ۲ ص ۵۲۳.

قرآن کریم در آیات متعدد به شهر امن بودن مکه به عنوان یک نعمت بزرگ اشاره

می کند. ۵۷

جالب این است که قرآن کریم در سوره قریش می فرماید :

کیفر لشکر فیل سواران به خاطر این بود که قریش به این سرزمین مقدس مکه اش الفت بگیرند زیرا تمام اهل مکه به خاطر مرکزیت و امنیت این سرزمین در آنجا سکنی گزیده بودند ، بسیاری از مردم حجاز هر سال به آنجا می آمدند. مراسم حج را به جا می آوردند و مبادلات اقتصادی و غیر اقتصادی داشتند و از برکات مختلف این سرزمین استفاده می کردند همه اینها در سایه امنیت و آسایش ویژه این شهر بود. اگر با لشکر کشی ابرهه و امثال او این امنیت خدشه دار می شد با خانه کعبه ویران می گشت ، دیگر کسی در این سرزمین احساس امنیتی نمی کرد و قهراً با آن الفتی پیدا نمی کرد.

باز در همین سوره می فرماید :

فلیعبدوا رب هذا البيت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف. ۵۸

با این همه نعمت الهی (از جمله امنیت) که به برکت کعبه پیدا کرده بودند باید به شکرانه آن ، پروردگار این خانه را عبادت کنند همان خدایی که آنها را از گرسنگی نجات داد و از هر بیمی هم در امنیت نگه داشت.

در اسلام همانگونه که برخی از اماکن ، اماکن امن به حساب آمده است برخی از ماهها و زمانها نیز زمانهای امن به حساب آمده است ، ماههای چهارگانه حرام (رجب ، ذیقعد ، ذیحجه ، محرم) که اسلام بر حرمت آن تاکید جدی دارد نشانه اهمیت و امنیت در نگاه اسلام است در قرآن کریم آمده است :
ان عده الشهور عندالله اثنا عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلک الدین القهیم فلا تظلموا فیهن انفسکم ... انما النسی زیاده فی الکفر یضل به الذین کفروا یحلونه عاما و یحرمونه عاما لیواطوا عده ما حرم الله ۵۹

همانا عده ماه ها در نزد خدا در کتاب خدا از آن روزی که خداوند آسمان و زمین را بیافرید دوازده ماه است و از آن دوازده ماه ، چهارماه ، ماههای حرام است. این است دستور دین استوار و محکم ، پس در آن ماهها در حق خود ظلم (جنگ و خونریزی) نکنید ... شیء (تغییر و تبدیل و جابجایی ماه حرام با ماه دیگر) افزایش کفر است که با آن کافران گمراه می شوند ، سالی ماه حرام و حلال می شمارند و سالی دیگر حرام تا بدین وسیله عده ماههایی که خدا آن را حرام کرده را پایمال کنند و حرام خدا را حلال گردانند...

«یا ایها الذین آمنوا لا تحلوا شعائر الله و لا اشهر الحرام». ۶۰

یعنی ای اهل ایمان حرمت شعائر خدا(مناسک حج) و ماه حرام را نگه دارید.

یکی از اموری که اهمیت امنیت را در نگاه اسلام نشان می دهد این است که خداوند در قرآن کریم در جاهای متعدد و عده ای که به اولیاء خود می دهد بهره مندی از زندگی امن و آسوده و خالی از خوف و خطر است.

۵۷ آل عمران ، ۲۲ ، عنکبوت ، ۶۷ ، قصص ، ۵۷ ، تین ، ۳.

۵۸ قریش ۳-۴.

۵۹ توبه ، ۳۶-۳۷.

۶۰ مائده ، ۲.

ان المتقين في جنات و عيون ادخلوها بسلام آمنين و نزعنا ما في صدورهم من غل اخوانا على سرر متقابلين لا يمسههم فيها نصب و ما هم منها بمخرجين. ۶۱

به درستی که اهل تقوی در باغها و شهرها خواهند بود ، به آنها خطاب شود که با درود و سلام و با کمال و ایمنی و امنیت به بهشت وارد شوید ما آئینه دلهای آن را از کدورت (کینه ، حسد ، و هر خلق ناپسند) پاک و پاکیزه بسازیم و تا با هم برادرانه و روبروی هم بر روی تختها بنشینند ، در صورتی که هیچ رنج و زحمت در آنها نرسد و هرگز از بهشت بیرونشان نکنند.

ان المتقين في مقام امين في جنات و عيون ... يدعون فيها بكل فاكهه آمنين لا يذقون فيها الموت ۶۲
همانا پرهیزکاران در بهشت ابد مقام امن و امان یافته اند در باغ ها و کنار چشمه ها و نهرا آرمیده اند ... و در حالی که از هر بیم و خطری در امنیت کامل به سر می برند از هر نوع میوه ای که میل شان بکشد طلب می کنند.

با بررسی این آیات و روایات نتیجه می گیریم که ، ضرورت و تضمین امنیت از دیدگاه اسلام ممتزین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است.
نقش ایمان در امنیت

یکی از آثار و برکات ایمان ، رسیدن به مقام امن و امنیت است یعنی یکی از ویژگی های فرد مومن و جامعه مومنان این است که در برابر حوادث و عوامل تهدید کننده و بیم دهنده خوف و خطر و دغدغه ای احساس نمی کنند و از زندگی آسوده و مطمئنی برخوردارند.
قرآن کریم در این رابطه می فرماید :

«الذين آمنوا و لم يلبسوا ايمانهم بظلم اولئك لهم الامن و هم مهتدون» ۶۳

آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیالودند برای آنها ایمنی و آسودگی است و هم آنها به حقیقت هدایت یافته اند .

«هو الذي انزل السكينة في قلوب المومنين ليزدادوا ايماناً مع ايمانهم ...» ۶۴

«اوست خدایی که آرامش را بردلهای مومنان قرار داد تا بر یقین و ایمانش بیفزاید و سپاه زمین و آسمانها مورد تشکر خداست و خداوند حکیم و داناست .»

«الذين آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب » ۶۵

«آنها که به خدا ایمان آورده و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باشید که تنها با یاد خداست که دلها آرام می گیرد .»

قرآن کریم نقش ایمان را در امنیت و نقش کفر را در زوال امنیت به صورت زیبایی ترسیم کرده است ، می فرماید :

و ضرب الله مثلا قرية كانت آمنة مطمئنة ياتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع و الخوف ... ۶۶

۶۱. حجر ، ۴۸-۴۵.

۶۲. دخان ، ۵۱-۵۶.

۶۳. دخان ، ۵۱-۵۶.

۶۴. انعام ، ۸

۶۵. فتح ، ۴.

۶۶. رعد ، ۲۸.

خداوند مثالی زده است ، منطقه آبادی که امن و امان بود و همواره روزی اش از هر جا می رسید اما نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام دادند گرسنگی و ترس را بر آنها پوشاند .

یعنی همانگونه که ایمان نعمت رفاه و امنیت را به آنها ارزانی بخشید ، کفران و ناسپاسی برای آنها فقر و و ناامنی را ببار آورد .

در این آیات برای این منطقه آباد و خوشبخت و پر برکت ، به ویژگی ذکر شده است که نخستین آنها امنیت ، سپس اطمینان به ادامه زندگی در آن و بعد از آن مساله جلب روزی و مواد غذایی فراوان می باشد که از نظر ترتیب طبیعی به همان شکل که در آیه آمده پیدا نمی کند و تا این دو نباشد کسی علاقمند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی نمی شود.

واین درسی است برای همه ما و همه کسانی که می خواهند سرزمینی آباد و مستقل داشته باشند ، باید قبل از هر چیز به مسئله «امنیت» پرداخت سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن چرخهای اقتصادی به حرکت در

آورد. ۶۷.

حکومت و امنیت اسلام

در نگاه اسلام یکی از مهمترین دلایل فلسفه حکومت ، برقراری امنیت در جامعه است ، حاکمان موظفند که با هر تعدی و تجاوزی که باعث سلب امنیت در جامعه می شود مبارزه کنند .حضرت علی (ع) ایجاد امنیت و آرامش را تا آنجا ضروری می داند که وجود حکومت را اگر چه حکومت جائزانه باشد لازم می داند .

انه لا ید اللناس من امیر بر او فاجر بعمل فی امرته المومن و یستمع فیها الکافر و یبلغ الله فیها تالاجل و یجمع به الفی و یقاتل به العدو و تامن و السبیل و یوخذ به للضعیف من القوی حتی یستریح بر و بستریح من فاجر .

همانا که مردم به زمامدار چه خوب و چه بد نیازمندند تا موانع در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافر لن هم بهره مند شوند و مردم در سایه حکومت زندگی کنند و به وسیله زمامدار ، بیت المال جمع آوری می شود و به کمک آنان با دشمنان مبارزه

می توان کرد .جاده ها امن و امان می گردد و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته

می شود .نیکوکاران در رفاه و از دست دادن بد کاران در امان می باشند ۶۸.

حضرت علی (ع) یکی از فلسفه های پذیرش حکومت خود را ایجاد امنیت و اصلاحات در جامعه معرفی می کند :

اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسه فی سلطان و لا التماس شی من فضول الحطام و لکن لئرد المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی

بلادک فیامن المظلومون من عبادک .تقام المعطله من حدودک ۶۹.

بارخدایا تو می دانی که جنگ در درگیری ماب رای بدست آوردن قدرت بر حکومت در دنیا و ثروت نبود بلکه می خواستی که نشانه های دین تو را در جایگاه خویش باز گردانیم ودر سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستمدیده ات را امنیت زندگی کنند و قوانین و احکام فراموش شده ات بار دیگر اجرا گردد.

۶۷. ناصر مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ج ۱۳ ، (تهران : دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۳ ش) ، ص ۴۳۳.

۶۸. دشتی ، پیشین ، خطبه ۴۰.

۶۹. دشتی ، پیشین ، خطبه ۱۳۱.

یکی از وجوه امنیت که حکومت موظف به تامین آن است ، امنیت مردم از تعرض حاکمان است در نگاه اسلام ، حاکمان حق ندارند به هر بهانه ای ز مردم سلب امنیت کنند بلکه این حق برای مردم وجود دارد که به راحتی و بدون بیم و هراس و دیدگاهها و تذکرات و انتقادات خود را با حاکمان در میان بگذارند ۷۰.

حضرت علی (ع) در عهدنامه معروف ، به مالک اشتر می فرماید :

ثم لیکن آثرهم عندک اقولهم بمر الحق لک و اقلهم مساعده فیما یکون منک مما کره الله الاولیائنه واقعاً ذلک من هواک حیث وقع .

از میان آنان (انسانهای پاک و وارسته) افرادی را که در حق گویی از همه صریح تر و بی پرده ترند و در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی پسندد تو را مددکار نباشند (یعنی تاو را در کارهای خلاف همراهی و تایید نکنند و جلوی تخلفات ترا را بگیرند) برگزین چه ، خوشایند تو باشد و چه ناخوشایند . تا می توانی با پرهیزکاران و راستگویان به پیوند ، و آنان را چنان پرورش ده که تو را زیاد نستانند و تو را برای اعمال زشتی که انجام نداده ای تشویق

نکنند که ستایش بی اندازه خود پسندی می آورد و انسان را به سرکشی وا می دارد . ۷۱.

حضرت در جای دیگر می فرمایند :

از پست ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنها دوستدار ستایش اند و کشور داری آنان بر کبر و خود پسندی استوار است ، خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می باشم ... مرا با سخنان زیبای خود مستایید تا از عهده وظایفی که سببت به خدا و شما دارم برآیم و حقوقی که مانده است بپردازم ، و به واجباتی که برعهده من است و باید انجام گیرد ادا کنم . پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می گویند حرف نزنید و چنان که از ادمهای خشمگین کناره می یگرند دوری نجوید و با ظاهر سازی با من رفتار نکنید گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید و بر من گران آید ، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم زیرا کسی که شنیدن حق ، یا عرضه شدن عدالت براو مشکل باشد عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود . ۷۲.

حاکمان حق ندارند در دریافت مالیات و زکات به گونه ای با مردم برخورد کنند که از مردم سلب امنیت شود یا مردم احساس کنند که حاکم و یا عامل او به زندگی خصوصی آنها آگاهی دارد و یا سیاستش بر سوء ظن نسبت به آنها استوار است .

حضرت علی (ع) دستورالعملی که به ماموران دریافت زکات می دهد به نکات مهمی اشاره می کند در این دستورالعمل اهمیت عنصر امنیت چه برای انسان و چه برای حیوانات به صورت کم سابقه آشکارا بیان شده است .

با تقوای الهی برای دریافت زکات حرکت کن و در سرراه هیچ مسلمانی را مترسان و یا با زور از زمین او عبور نکن و افزونتر از حقوق الهی از او مگیرد . هرگاه به آبادی رسیدی در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو ! سپس با آرامش و وقار به سوی آنها حرکت کن تا در میانشان قرار گیری ، و به آنها سلام کن و در سلام و تعریف و مهربانی کوتاهی نکن سپس می گویی : ای بندگان خدا! مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاد . تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل بگیرم آیا در میان اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید ؟ اگر کسی گفت : نه ، دیگر به او مراجعه نکن . اگر کسی پاسخ داد ، آری ، همراهش برو ف بدون آنکه او را بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی وادار سازی ، هر چه از طلا و نقره به تو رساند بردار و

۷۰. همان ، نامه ۵۳.

۷۱. همان

۷۲. همان ، خطبه ۲۱۶.

اگر دارای گوسفند یا شتر بود بدون اجازه اش داخل مشو که اکثر اموال از آن اوست آنکه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه گر و سختگیر رفتار نکن ، حیوانی را رم مده و هراسان مکن و دامدار را مرنجان ، حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند . پس از انتخاب اعتراض نکن ، سپس باقیمانده را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند پس از انتخاب اعتراض نکن ، سپس باقیمانده را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب و بر انتخاب او خرده مگیر ، به همین گونه رفتار کن تا باقیمانده حق خداوند باشد . اگر دامدار از این تقسیم و انتخاب پشیمان است و از تو درخواست گزینش دوباره کرد همراهی کن . پس حیوانات را در هم کن و به دو دسته تقسیم نما ، همانند آغاز کار ، تا حق خدا را از آن بگیری ... در رساندن حیوانات آن را به دست چوپانی که خیرخواه و مهربان ، امین و حافظ که نه سختگیر باشد و نه ستمکار ، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند ، بسیار ... هر گاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی به او سفارش کن تا بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شتر آن را ندوشد تا به بچه اش زبانی وارد نشود و در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید ، آنها را در سر راه به درون آب ببرد و استراحت کند و هر گاه به علفزار رسید فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند ... ۷۳

حضرت به یکی از فرمانداران خود ظاهراً (محنف بن سلیم ازدی) می نویسد :

به او سفارش می کنم با مردم تندخو نباشد و به آنها دروغ نگوید و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد بی اعتنائی نکند ، چه اینکه مردم برادران دینی و یاری دهندگان در استخراج حقوق الهی می باشند ، بدان برای تو در این زکاتی که جمع می کنی سهمی معین و حقی روشن است و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری ، همانگونه که ما حق تو را می دهیم تو هم باید نسبت به حقوق آنها وفادار باشی ، اگر چنین نکنی در روز رستاخیر بیش از همه دشمن داری . ۷۴

جایگاه امنیت در احکام و مقررات اسلام

در نگاه اسلام هرچند آزادی محترم و مقدس است اما دارای حد و مرزهایی است یکی از مهمترین حد و مرز آن «امنیت» است ، به این معنا که آزادی افراد در نظام اسلامی و جامعه دینی تا آنجا محترم است که امنیت جامعه نظام را در معرض خطر و تهدید قرار نگیرد ، اسلام با علل و عوامل تهدید کننده امنیت به شدت و بی ملاحظه برخورد کرده است .

در یک نگاه ، بسیاری از چیزهایی که در سلام تحریم و منع شده است به این خاطر است که امنیت فردی و اجتماعی را معرض مخاطره قرار می دهد . ۷۵ ما در اینجا به برخورد اسلام با پاره ای از عوامل تهدیدکننده امنیت اشاره می کنیم :

۱- آزادی افرادی در مخالفت و انتقاد از دولت و حکومت اسلامی تا جایی است که به امنیت اجتماعی و وحدت ملی آسیبی وارد نسازد اما اگر مخالفتها و کارشکنی ها به جایی برسد که برای امنیت ملی و وحدت اجتماعی ، عامل تهدید کننده محسوب شود ، حکومت موظف است که با جدیت و بی ملاحظه با آن برخورد نماید و توطئه ها را خنثی نماید .

۷۳. همان ، نامه ۲۵.

۷۴. همان ، نامه ۲۶ .

۷۵. نیک زاد ، پیشین ، ص ۲۸.

ان هولاء قد تمالووا علی سخطه امارتی و ساصبر ما لم اخف علی جماعتکم فانهم ان تمموا علی فیاله عذا الرای انقطع نظام المسلمین و انما طلبوا هذه الدنيا حسدا لمن اقاءها الله علیه فارادوا رد الامور علی ادبارها و لکم علینا العمل بکتاب الله تعالی و سیره رسو الله و القايم بحثه و النعش لسنته .
همانا ناکتین و پیمان شکنان به جهت نارضایتی از حکومین من به همدیگر پیوستند و من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم صبر خواهیم کرد ، زیرا آنان اگر برای اجرای مقاصدشان فرصت پیدا کنند ، نظام جامعه اسلامی متزلزل می شود آنها از روی حسادت بر کسی که خداوند حکومت را به او بخشیده است به طلب دنیا برخاسته اند می خواند کار را به گذشته بازگردانند ، حقی که شما به گردن ما دارید عمل کردن به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و قیام به حق و برپاداش سنت او است ۷۶.
به همین خاطر وقتی که این گروه (ناکتین) دست به آشوب زدند و امنیت جامعه با را به خطر انداختند ، حضرت با آنها جنگید و آنها را تارو مار کرد حضرت خود می فرماید :

برکارگزاران و خزانه داران بیت المال مسلمین که در فرمان من بودند و بر مردم منطقه ای که تمامی آنها بر اطاعت من و وفاداری در بیعت با من وحدت داشتند ، هجوم آوردند آنان را از هم پراکندند و به زیان من در میانشان اختلاف افکندن و بر شیعیان من تاختند ۷۷.
۲- اگر در فقه اسلامی نسبت به مرتد برخورد سخت گیرانه ای صورت می گیرد یک فلسفه مهم آن این است که ارتداد در جامعه اسلامی نوعی ایجاد تزلزل و بی ثباتی و عدم امنیت است ، به نظر می رسد که ارتداد یک توطئه هماهنگ علیه السلام جالب این است که از آیه ۲۷۶ سوره آل عمران بر می آید که تعدادی از نیروهای کفار تبانی کردند تا بامدادان در حضور پیامبر (ص) ایمان بیاورند و شامگاهان مجدداً دست از سلام بردارند تا از این طریق مسلمانان دچار شک و شبهه شوند و آنان را نسبت به آیین خود بدبین سازند .علاوه طباطبایی (ره) در ذیل این آیه می فرماید :
انان برای توجیه کار خودشان گفتند ما فکر می کردیم اسلام ، امارات و دلایلی برحقانیت و درستی خود دارند وقتی مسلمان شدیم ، مشاهده کردیم که چنین نیست و شواهدی بر بطلان آن برای ما آشکار شد و این توطئه ای بود که برای ایجاد تردید در مومنین اندیشیده بودند ۷۸.
خلاصه اینکه فلسفه اعدام مرتد ، حفظ امنیت داخلی جامعه اسلامی و جلوگیری از نفوذ بیگانگان و نامحرمان در حریم اعتقادات دین مردم است اگر در برابر مرتد سکوت شود ، بیم آن می رود که هر روز افرادی به توطئه ای بر ضد مسلمانان برخیزند و برای ایجاد تزلزل در ایمان مومنان و در هم ریختن امنیت اسلامی از طریق ارتداد وارد شوند و اینجانب که جامعه مبتلا به بحران فکری - اجتماعی می گردد به خصوص اینکه کارهای تخریبی معمولاً آثار سریع دارند اگر به افراد اجازه داده شود هر روز که مایل هستند خود را وفادار به اسلام معرفی کنند و سپس استعفا دهند ، در این صورت هرج و مرج بر جامعه سلامی حاکم خواهد شد .در چنین فرضی مدار نه تنها روا نیست بلکه زمینه ساز توطئه ای ویرانگر و فعالیت توطئه سازان حرفه ای مانند سلمان رشدی ها برای ضربه شدن به اسلام و مسلمانان خواهد بود ۷۹.

البته باید توجه داشت که حکم اعدام مرتد مربوط به کسی نیست که اعتقادی در درون خود دارد و درصدد اظهار و تبلیغ و اشکار شدن آن نیست ، یعنی اگر کسانی درصدد تحقیق باشند مشمول حکم مرتد نیستند و حتی اگر نتیجه تحقیق آنها بازگشت از اسلام و گرایش به آیین دیگری باشد

۷۶. دشتی ، پیشین ، خطبه ۱۶۹.

۷۷. همان ، خطبه ۲۱۸.

۷۸. علامه طباطبایی ، پیشین ، ج ۳ ، ص ۲۵۷.

۷۹. نیکزاد ، پیشین ، ص ۵۱

مشروط بر آنکه سخنی بر خلاف اسلام نگویند. همین نکته نشان می دهد که احکام مرتد به این خاطر است که شخص مرتد تجری و جسارت این را پیدا نکند که امنیت دینی و فکری مردم را متزلزل سازد. ۸۰.

۳- اگر می بینیم که سلام نیست به محارب برخورد سخت و خشنی دارد (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) باز به این خاطر است که محارب امنیت سیاسی و اجتماعی و بلکه فکری و دینی مردم را دچار سیستمی و تزلزل می سازد و جامع را دچار هرج و مرج می گرداند. ۸۱. قرآن کریم می فرماید :

انما جزاء الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الارض فسادا ان يقتلوا او يصلبوا او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ذلك لهم خزي في الدنيا و لهم في الاخرة عذاب عظيم الا الذين تابوا من قبل ان تقدروا عليهم .

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می کنند (و با تهدید اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند) این است که اعدام شوند و یا به دار آویخته شوند یا دست و پای آنها را به عکس یکدیگر (از دست راست و پای چپ) بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند این روسای تنها در دنیاست و در آخرت مجازات بزرگی دارند مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان ، توبه کنند ... ترعیفی که برای محارب در فقه شده است این است :

المحارب هو كل من جرر سلاحه از جهز لآخافه الناس و اراده الافساد في الارض في بر كان او في بحر ، في مصر او غيره ليلا او نهاراً و يستوي في الذكر و الانثى. ۸۲.

محارب به کسی گفته می شود که سلاح خود را برهنه یا آماده کند تا مردم را بترساند و در زمین افساد و خرابکاری کند چه در خشکی باشد یا دریا ، چه در شهر و یا غیر آن ، چه زن باشد یا مرد به تعبیر دیگری کسی که از راه اسلحه مردم را تهدید کند و امنیت مردم را در معرض خطر قرار دهد و اغتشاش و اضطراب در میان مردم ایجاد کند محارب به حساب می آید. [4]

۴- برخورد تند اسلام نسبت به دزد حاکی از اهمیت امنیت مالی در نگاه اسلام است اگر نسبت به کسانی که چنین تهور و جسارتی دارند که قفلها را مش کنند و به انبار و یا صندوق و امثال آن که اموال مردم را در آنها حفظ و نگهداری می شود دستبرد می زند ، رحم و عطوفت داده شود یقیناً امنیت مالی و اقتصادی جامعه در معرض مخاطره جدی قرار می گیرند .

۵- برخورد جدی و بی ملاحظه اسلام نسبت به زناکار و لواط کننده و نیز قذف (کسی که دیگران را به زنا و لواط نسبت دهد و نتواند طبق مبانی شرعی آن را اثبات کند) نشان دهنده اهمیت امنیت عرضی و ناموسی و اخلاقی در جامعه است .

اهمیت امنیت عرضی در اسلام به اندازه ای است که اگر کسی به شخصی نسبت زنا و یا لواط دهند و نتواند آن را از طریق شرعی ثابت کند باید هشتاد تازیانه بخورد ، همانگونه که در اسلام برای مفاسد اخلاقی مانند زنا و لواط عقوبت سنگینی در نظر گرفته شده است ، برای متهم کنندگان اشخاص به

۸۰. همان .

۸۱. همان .

۸۲. امام خمینی ، تحریر الوسیله ، ترجمه علی اسلامی ، ج ۴ ، (قم ، دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۶۹) ، ص ۲۳۸.

این گونه مفاسد و یا گواهی دهندگان به دروغ و یا کسانی که بدون رسیدن گواهان به حد نصاب (چهار شاهد عال مرد) علیه کسی گواهی به زنا و لواط می دهند مجازات سختی منظور گردیده است. همه اینها به خاطر حفظ امنیت جامعه از جنبه های اخلاقی است. ۸۳.

۶- تحریم شدید قتل و آدم کشی نشان دهنده اهمیت امنیت جانی افراد جامعه در نگاه اسلام است. یکی از گناهان بسیار بزرگ که چه بسا موجب خلود در آتش می شود قتل است قرآن کریم می فرماید: «و من یقتل مومنا متعمدا فجزاوه جهنم خالدا فیها» ۸۴

« هر کس مومنی را جدا بکشد جزای او جهنم است در حالی که جاودانه در آن می ماند و خداوند براو غضب می کند و او را از رحمتش دور می سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.»

قرآن کریم در زمینه سلب امنیت جانی افراد جامعه و قتل آدمکشی به یک نکته بسیار مهمی اشاره می کند و آن این است که قتل یک نفر همانند همه افراد جامعه است چنان که احیای یک نفر معادل احیای همه انسان ها است .

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفسا بغیر نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا و من احیایها فکانما احیا الناس جمیعا. ۸۵

به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل و یا فساد در روی زمین بکشد چنان است که گویی همه انسانها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است .

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه می فرماید :

تک اشخاص این نوع افراد یک نوعند و شاخه های یک تنه درخت اند و در نتیجه یک فرد از این نوع از انسان همان را دارد که هزاران فرد آن را دارند و هزاران فرد از این حقیقت ، همان را دارند که یک فرد دارد و تنها غرض خدای تعالی از خلقت افراد این نوع و تکثیر نسل آن این است که این حقیقت که در تک افراد عمری کوتاه دارد ، هم چنان در روی زمین باقی بماند به همین منظور تسلی را جانشین نسل سابق می کند تا نسل لاحق مانند سابق ، خدا را در روی زمین عبادت کند ، بنابراین اگر یک فرد از این نوع کشته شود خلقت خدا تباه گشته و غرض خدای سبحان که بقای انسانیت نسل بعد از نسل بود باطل شده است و قاتل در مقام معارضه یا مقام ربوبی برآمده است. ۸۶.

از این آیه اهمیت جانی افراد روشن می شود و با توجه به اینکه این آیات در محیطی نازل شده است که خون بشر در آن ارزشی نداشت عظمت آن آشکارتر می گردد.

از امام صادق روایت شده است ؟

رسول خدا (ص) در آخرین سالی که به مکه آمدند و پس از آنکه مناسک و اعمال لازم خود را انجام دادند در منی میان جمعیت ایستاد ، فرمودند ، در میان روزها کدام روز شریف تر است ؟ گفتند : امروز فرمودند : در میان ماهها چه ماهی شریف تر است ؟ مردم گفتند : همین ماه ذی الحجه ، فرمود ، در میان شهرها کدام شهر مقدس تر و محترم تر است ؟ مردم گفتند : همین شهر مکه ، پس از این فرمودند ، بدون تردید خون ، جان و مال شما محترم

۸۳. نیکزاد ، پیشین ، ص ۵۲

۸۴. نساء ، ۹۳

۸۵. مائده ، ۳۲ .

۸۶. علامه طباطبایی ، پیشین ، ج ۵ ، ص ۵۱۵.

است و تصرف در آن بر شما حرام است مثل حرمت این روز در این ماه و در این شهر و این حرمت و احترام باقی است تا روز قیامت که خدا را ملاقات کنید و از شما و کارهای شما سوال شود، بعد فرمودند: آیا مطلب را رساندم؟ همه گفتند: آری. ۸۷.

۷- تحریم بسیاری از اموری که مرتبط حقوق مردم است در اسلام، در واقع نوعی پیشگیری و بازدارندگی از عوامل تهدید کننده امنیت اعتماد و مصونیت شخصیتی و حیثیتی افراد جامعه است. در فقه اسلامی روی حرمت حیثیت و آبروی افراد تکیه فراوان شده است. به همین خاطر در اسلام اموری مانند غیبت و تهمت و بهتان و افتراء و تجسس و سوء ظن و اهانت و استخفاف و تمسخر و آزار و اذیت مردم و دروغ گفتن به افراد حرام شده است، اگر اینگونه امور در اسلام تحریم نمی شد امنیتی برای عرض و آبرو و شخصیت افراد باقی نمی ماند. ۸۸.

در این رابطه قرآن کریم می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی زنان دیگر راه شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یمدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان، نام کفر آمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند ظالم بر ستمگرند. ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها (سوء ظن ها) بپرهیزید چرا بعضی از گناه ها گناه است و هرگز تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنید آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ همه شما این امر کراهت دارید، تقوی الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است. ۸۹.

دستورهای ششگانه که در این دو آیه مطرح شده است (الهی از سخریه و عیبجویی، القاب زشت و گمان بد و تجسس و غیبت) هر گاه به طور کامل در یک جامعه پیاده شود آبرو و حیثیت افراد جامعه را از همه نظر بیمه می کند، نه کسی می تواند به عنوان برتر بینی دیگران را وسیله تفریح و سخریه فرار دهد و نه می تواند زبان به عیبجویی این و آن بگشاید و نه با القاب زشت حرمت و شخصیت افراد را در هم بشکند و نه حق دارد حتی گمان بد ببرد و نه در زندگی خصوصی افراد به تجسس بپردازد و نه عیب پنهانی آنها را برای دیگران فاش کند. به تعبیر دیگر انسان چهار سرمایه دارد که همه آنها باید در دژهای این قانون قرار گیرد و محفوظ باشد که جان و مال، ناموس و آبرو تعبیرات آیات فوق و نیز روایات اسلامی نشان می دهد که آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آنها است، اسلام می خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکمفرما باشد نه تنها مردم در عمل و با دست به یکدیگر هجوم نکنند بلکه از نظر زبان و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر نیز در امان باشند و این امنیتی است در بالاترین سطح که جز در یک جامعه دینی امکان پذیر نیست. ۹۰.

۸- حرمت نوشتن و نسخه برداری کردن و حفظ کردن و خرید و فروش کتاب صلال که باعث گمراهی می شود باز برای مصونیت بخشی و امنیت آفرینی برای جامعه را در معرض تهدید قرار دهد بر این اساس مطبوعات و نشریات در نظام اسلامی تا موقعی آزادند که به فرهنگ و اخلاق و باورها و ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه، آسیب نرسانند.

در خاتمه اشاره به این نکته نیز خالی از فایده نیست که «در قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران مسئله امنیت از جایگاه بلند و ویژه ای برخوردار است در اصل ۲۲ قانون اساسی به صراحت آمده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق و مکس و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در

۸۷. علامه مجلسی، پیشین، ج ۳۷، ص ۱۱۳.

۸۸. نکیزاد، پیشین، ص ۵۴.

۸۹. حجرات، ۱۱-۱۲.

۹۰. مکاترم شیرازی، پیشین، ج ۲۲، ص ۱۸۵-۱۸۶.

مواردی که قانون تجویز می کند» و یا در اصل ۲۳ آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد». در اصول متعدد دیگر نیز به مسئله امنیت افراد جامعه در عرصه های مختلف اشاره شده است. ۹۱.

امنیت فردی و خانوادگی

الف- امنیت فردی

داشتن ایمان و خدا ترسی یعنی عبادت مخلصانه و درک یگانگی خدا با تمام وجود، به او توکل نمودن، از خطرات احتمالی و فقدان امکانات دنیوی وحشت نداشتن، برخورداری از نعمت ایمان موجب امنیت روحی و روانی، دنیوی و اخروی و باطنی و امان از شر دشمن و نفس اماره و شیطان مکار بودن است، در پرتو ایمان است که انسان به ولی الله بودن می رسد و حجاب ها از قلبش کنار می رود و شک و تردید برطرف می شود و خدا را با چشم دل می بیند و آن وقت است که امنیت فردی ایجاد می گردد. ۹۲. و خداوند می فرماید:

«الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون الذین آمنوا و كانوا یتقون». ۹۳. «اگاه باشید اولیاء (دوستان) خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند همان ها که ایمان آوردند و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می کردند.» در سوره انعام نیز روی همین معنی تاکید شده است: «آنها که ایمان آوردند و (خویشتر را) اصلاح کنند نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند»؛ «.....فمن آمن و اصلاح فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون». ۹۴.

بنابراین اگر کسی در پرتو ایمان خود را اصلاح کند امنیت و آرامش واقعی بر وجودش حکمفرماست می شود و به گفته قرآن کریم «الا بذکر الله تطمئن القلوب» ۹۵ «یاد خدا مایه آرامش دلهاست». [5]

اولیای خدا آن چنان غرق صفات و جلال او هستند و آن چنان محو مشاهدات پاک او می باشند که غیر از او را به دست فراموشی می سپارند و کسی که غیر خدا در دل او نمی گنجد به غیر او نمی اندیشند و جز او را در روح خود پذیرا نمی شود. چگونه ممکن است غم اندوه و ترس و وحشتی داشته باشد همچون نوجوان ۱۳ ساله که با نارنجک زیر تانک دشمن می رود تا به انفجار آن سدی را از راه خدا بردارد.

جنبه دیگر امنیت فردی حفظ حیثیت و آبروی افراد است، نه تنها جام اشخاص جامعه باید تامین شود بلکه شرایطی بر جامعه لازم است حاکم شود و آبروی افراد نیز از امنیت کافی برخوردار باشد این عمل خصوصاً در برخورد با مخالفان دولت بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. ۹۶. در اندیشه انام علی (ع) آبرو و حیثیت از اهمیت والایی برخوردار است و آن را تشبیه به یخی می کند که با تقاضا و خواهش قطره قطره از آن کاسته می شود. «ماء وجهک جامد یقطره السؤال فانظر عند من تقطره». ۹۷. «آبرویت یخی انباشته را مانند است که با درخواست قطره قطره از آن می گاهی پس بنگر در برابر چه کسی فرو می ریزی.».

۹۱. ر.ک قانون اساسی بخش حقوق ملت.

۹۲. یونس، ۶۲-۶۳.

۹۳. انعام، ۴۸.

۹۴. رعد، ۲۸.

۹۵. رعد، ۲۸.

۹۶. محمد مهدی ماندگار، خط مشی های سیاسی نهج البلاغه (قم: بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱ ش)، ص ۲۵۲.

علاوه بر آن امنیت فردی و سیاسی در همه جوانب آن به عنوان یکی از اهداف کومت ائمه معصومین (ع) مورد توجه جدی بوده است. امیرالمومنین علی (ع) نه تنها در آغاز حکومت خود بیعت تحمیلی را طلب نکرد تا امنیت فردی و سیاسی، مورد خدشه قرار گیرد، بلکه در مقابل سرباز زدن اشخاصی هم چون زید بن ثابت، رافع بن خدیج و... از بیعت ایشان را آزاد گذاشت. ۹۸.

در حکومت علی (ع) همه مخالفان و دشمنان و اقلیت ها از هر گونه امنیتی برخوردار بودند. ۹۹ و تا زمانی که دست به شورش نزده بودند و به نظم و امنیت اجتماعی تعرضی نکرده بودند، از امنیت و آزادی لازم بهره مند بودند، ولی هنگامی که اقدامی علنی یا پنهانی را علیه نظام و مصالح ملی آغاز کردند امام علی (ع) برتای حفظ نظم و امنیت جامعه ف پس از یاس از نصیحت پذیری ایشان، با شدت با آنان برخورد کرد و در واقع، امنیت آنان را که مخل امنیت عمومی جامعه بود سلب کرد.

امنیت فردی ابعادی دارد از جمله امنیت عرضی، مالی و جانی و مسکن است.

۱- امنیت عرضی

یعنی اینکه آبروی هر مسلمان محترم است و باید حفظ شود، لغت عرضی به معنای آبرو آمده است ۱۰۰ اگر کسی به هر نحوی آبرو و عرض دیگری را به مخاطره انداخت مثلا از کلمات رکبک برای ناسزا استفاده کرد طبق شرع مقدس اسلام باید تنبیه گردد. چرا که در جامعه اسلامی حفظ و صیانت آبرو و عرض مردم از طرف شارع مقدس تاکید و سفارش شده است، در صورت خدشه دار شدن آبروی افراد جامعه در حقیقت شخصیت آنها لکه دار شده است اگر کسی نسبت به زنا یا لواط به کسی بدهد و این نسبت ناروا باشد به علت به مخاطره انداختن آبرو و عرض فردی از افراد جامعه اسلامی، طبق شرع مقدس مقتری شناخته شده و باید هشتاد ضربه شلاق به او زده شود امنیت عرضی افراد ممکن است به وسیله اهانت یا توهین، مسخره و استهزاء و افترا و همت از بین برود. ۱۰۱ اکنون بروی مسخره و استهزاء که از عوامل خدشه دار کردن امنیت عرضی جامعه است بحث می کنیم.

قرآن کریم راجع به استهزاء و مسخره کردن می فرماید: «لا یسخر قوم من قوم» ۱۰۲ «هرگز نباید قومی دیگر را مسخره کند و استهزاء کند» چه بسا آن کسی که مورد استهزاء و مسخره قرار می گیرد به مراتب از انسانهای دیگر بهتر و منافی تر باشد، روزی حضرت موسی از جایی در حال گذر بود که کرم ریزی را در خاک در حال لولیدن دید به خداوند گفت: «خدا یا این کرم را برای چه خلق کرده ایت» خداوند فرمود: «ای موسی تو برای دفعه اول است که درباره علت خلقت کرم سوال می کنی در حالی که همین کرم تا به حال هفتاد مرتبه از علت خلقت تو پرسیده است» ۱۰۳.

در حدیثی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «الربا ثلاثه و سبعون بابا ایسرها مثل ان یکنح الرجل امه و ان اربی الریا عرض الرجل المسلم» «ربا هفتاد و سه قسم است و آسان تر از همه چنان است که کسی با مادر خود زنا کند و بدتر از همه رباها تجاوز به آبروی مسلمان است» ۱۰۴

۹۷. دشتی، پیشین، حکمت ۳۴۷.

۹۸. مصطفی دلشاد تهرانی، حکومت، ج ۳، (تهران خانه انیدشه جوان، ۱۳۷۸ ش) ص ۸۲ ماندگار، پیشین، ص ۲۵۲.

۹۹. ماندگار، پیشین، ص ۲۵۲.

۱۰۰. گروهی از نویسندگان «کلیاتی درباره امنیت» مجله پلیس انقلاب، شماره ۸۶، (۱۳۸۶)، ص ۲۲.

۱۰۱. همان.

۱۰۲. حجرات، ۱۱.

۱۰۳. گروهی از نویسندگان، پیشین، ص ۲۷.

۱۰۴. پابنده، پیشین، ص ۱۱.

خیلی از افراد جامعه توسط عده ای دیگر ممکن است مورد استهزاء و مسخره قرار گیرند در حالی که آن فرد به مراتب از مسخره کنندگان فاضل تر و به خدا نزدیک تر است ، این است که نباید مومنین خدا را سرزنش و استهزاء کرد و خداوند انسانهای مومن را دوست دارد و مسخره کنندگان آن را عذاب سخت می دهد .

۲-امنیت مالی

از عوامل دیگری که در تامین امنیت فردی موثر است امنیت مالی است تامین امنیت مالی هم در اسلام بسیار سفارش و تاکید شده است به طوری که قسمت عمده ای از مباحث فقهی برای همین منظور در کتب فقهی طرح و بررسی شده است از جمله مخدوش کننده های امنیت مالی مسئله سرقت و دزدی است به طور کلی می توان دزدی را به چهار نوع تقسیم کرد .

دزدی فرد از فرد ، دزدی ملت از ملت ، دزدی فرد از فرد ، دزدی ملت از ملت ، که برای حفظ امنیت مالی جامعه اسلامی باید از انواع دزدهای جلوگیری شود دزدی ملت از ملت مانند اسرائیل که حق ملت فلسطین را نادیده گرفته و سرزمین آنها را غاصبانه اشتغال نموده است و دزدی ملت از فرد این است که یک حکومت از افراد آن جامعه کار بکشد و هنگامی که از کار افتاده و پیر شدند آنها را بیمه نکند که در ایام از کار افتادگی زندگی شان تامین گردد.۱۰۵

۳-امنیت جانی

دین مبین اسلام که همواره همان طور که در مباحث گذشته مطرح شد امنیت مالی و عرضی افراد جامعه را تامین می کند برای حفظ امنیت جانی نیز تاکید و سفارش دارد به طوری که در فقه اسلامی برای کسانی که امنیت جانی افراد را به خطر می اندازند یا به جان افراد صدمه و زیان وارد می کنند جریمه تعیین نموده است مثلاً شارع مقدس می فرماید :

اگر کسی به جان کسی تعرض کند از گردن به بالا باشد جریمه اش دو برابر است نسبت به پایین گردن ، یعنی اگر کسی سیلی زد و محل سیلی آن سرخ یا کیود و سیاه شود به نسبت جریمه اش فرق می کند اگر جای سیلی سرخ شود جریمه اش یک مثقال و نیم طلاست اگر کیود شود سه مثقال طلا باید بدهد و اگر یچجای سیلی سیاه شود ۶ مثقال طلا جریمه دارد ۱۰۶۴

با این توضیحات می بینیم اسلام برای تامین جانی افراد جامعه مقرراتی وضع کرده به این صورت دقیق و مشخص که جان افراد جامعه در آرامش و امنیت باشد مکتب حیاتبخش اسلام حتی برای امنیت جان کسانی که در آینده از گرداندگان برقراری امنیت نظام اسلامی هستند نیز می تواند در اجرای مدیریت صحیح کاربرد داشته باشد .

۴-امنیت مسکن

۱۰۵. گروهی از نویسندگان ، پیشین ، ص ۲۸.

۱۰۶. علی شیروانی ، شرح لمعه ، ج چهاردهم ، (قم) دارالعلم ، ۱۳۷۶) ، ص ۲۸۹.

یکی دیگر از ویژگی های امنیت فردی داشتن مسکن است. امنیت مسکن یعنی اینکه هر کس در محیط زندگی خود آزاد است منتهی این آزادی همراه با محدودیت است و محدودیت آن این است که این آزادی نباید مزاحمتی برای دیگران ایجاد نماید ۱۰۷ می گویند :

کیوتر بازی برای پراندن کیوترهای خود بالای پشت بام می رفت. همسایه اش به او گفت : بالای پشت بام می آیی و چون زن و بچه های من به زحمت می افتند «یا الله» بگو ، کیوتر باز گفت : من در منزل خود آزاد هستم و یا الله نمی گویم و هر وقت دلم بخواهد به بالای پشت بام خواهم رفت. همسایه کیوتر باز هم یک سطح و چوب برداشت و شروع به زدن نمود و سر و صدای مهیبی ایجاد نمود. کیوتر باز به این کار همسایه اش اعتراض کرد. در جواب ، همسایه گفت : خانه خودم است و آزادم هر کاری که دلم می خواهد انجام بدهم. ۱۰۸

لذا از جنایات بزرگ این عصر همین بازی کلمات و عدم استعمال صحیح آن در جای خودش است در تاریخ اسلام جریانی راجع به آزادی مسکن از پیامبر نقل شده است که اهمیت مطلب را می رساند. [6]

در زمان پیامبر اسلام (ص) شخصی به نام سمره بن جندب داخل خانه و باغ مردی از انصار در شهر مدینه درخت نخلی داشت که هر وقت برای رسیدگی به آن می رفت بدون اطلاع وارد منزل مرد انصاری می شد ؛ لذا مزاحمت ایجاد می کرد . مرد انصاری به سمره گفت : هر وقت وارد منزل می شوی صدا بزنی و اطلاع بده (تا زن و بچه های من خود را حفظ کنند) اما سمره قبول نمی کرد .

مرد انصاری به نزد پیامبر آمد و از او شکایت کرد و واقعه را برای رسول خدا (ص) نقل کرد . رسول خدا (ص) به دنبال سمره فرستاد تا به نزد ایشان بیاید و شکایت مرد انصاری را به او اطلاع دهد و بعد به او فرمود : هر وقت خواستی وارد خانه او شوی اجازه بگیر ، سمره بن جندب باز هم قبول نکرد . پیامبر (ص) حاضر شد درخت را به قیمت بالایی بخرد باز هم قبول نکرد . حاضر شد در بهشت به او درختی بدهد باز هم قبول نکرد رسول خدا (ص) به مرد انصاری فرمود : برو درختش را بکن و پیش او بیانداز ۱۰۹ و بعد فرمود لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام . ۱۱۰

انسان حق ندارد به خود و دیگران ضرر برساند. در این حدیث بر اهمیت حفظ امنیت مسکن افراد جامعه اسلامی تاکید شده است .
ب-امنیت خانوادگی

فرد مومن علاوه بر امنیت خود مسئول امنیت خانواده خویش نیز می باشد و در مقابل همسر و فرزند مسئولیت سنگینی به عهده دارد و تا آنجا که می تواند در تعلیم و تربیت و امر و معروف و نهی از منکر بکوشد و از گناه و معصیت بازشان دارد و به نیکی ها و خوبی ها ترغیب شان دارد. همچنان که قران می فرماید :

یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و أهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجاره علیها ملائکه فلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یومرون. ۱۱۱
ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است نگهدارید، آتشی که فرشتگان بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند، و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می نمایند .

۱۰۷. گروهی از نویسندگان ، پیشین ، ص ۲۸.

۱۰۸. همان ص ۲۸.

۱۰۹. همان .

۱۱۰. حسینی دشتی ، پیشین ص ۱۵.

۱۱۱ - تحریم، ۶ .

بلی همین خانواده های کوچک در کنار هم قرار می گیرند و یک جامعه را تشکیل

می دهند و هرگاه این واحدهای کوچکتر که رسیدگی به آن ساده تر است اصلاح گردد کل اجتماع اصلاح می شود و این مسئولیت در درجه اول به دوش پدران و مادران است. خصوصاً در عصر حاضر که موج های خروشان فساد در بیرون خانواده ها بسیار رشد کرده است و ما برای از بین بردن این فساد باید مبارزه کنیم و ریشه های آن را بخشکانیم و آتش دوزخ را از خانواده های خود دور کنیم تا امنیت برقرار شود.

اما علی (ع) در تفسیر این آیه فرمود: «علموا انفسکم و اهلیکم الخیر و ادبوه» «منظور این است که خود و خانواده خویش را نیکی بیاموزید و آنها را ادب کنید» ۱۱۲ خانواده نهاد یا موسسه ای است مهم که سرنوشت حیات اجتماعی به آن وابسته است. این موسسه در معرض خطرات و تهدیدهای گوناگون است که عدم حفظ و حراست آن از این خطرات سبب تزلزل و حتی انحلال آن خواهد شد. بدین نظر ضروری است موجباتی فراهم آید که از خطر مصون بماند. در حفظ و حراست خانواده از عوامل انحلال بیش از هر کس زوجین وظیفه دارند. آنان می بایست عوامل امنیت خانوادگی را که شامل پاکی و تقوا، حفظ عفت، رعایت حقوق، پاسخ به خواسته ها یکدیگر، شرکت در غم و شادی و ... است مراعات نمایند. ۱۱۳

رشته حیات خانواده آن چنان باید محکم و استوار باشد که هیچ عاملی نتواند آن را از هم بگسلد و یا با اعمال راه و روش هایی بنیان سعادت آن را متزلزل سازد. حفظ این کانون از خطر انحلال به سادگی امکان پذیر نیست از آن بابت که هر یک از زن و شوهر دارای ذوق و سلیقه ای خاص در زندگی هستند و تربیت و فرهنگ خاصی را پذیرا شده اند. درست است که در سایه دوستی ها تا حدودی زیاد امنیت خانواده تأمین شده و تزلزل ها از حیات آدمی رخت بر می بندد ولی برای بقای آن ضروری است قواعدی مطرح باشد و آمد و شدها، معاشرت ها و ناسازگاری ها تحت آن ضوابط در آیند. ۱۱۴

بخش دوم: امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی عبارتست از: آسایش همگانی و اطمینان آنها در حفظ ارزش های همگانی و هر چیزی که این آسایش را تهدید نموده و با آن در معارضه باشد، خلاف امنیت اجتماعی است و تفاوت ندارد که آن تهدید به دلیل کارهای غیر قانونی دولت باشد و یا گروهی در جامعه باید در صدد باشد تا با رعایت حقوق اجتماعی در جامعه خود، امنیت محیط زندگی خویش و سایر افراد را مورد تهدید قرار ندهد.

۱۱۵

الف- امنیت اجتماعی در گستره آیات الهی

۱۱۲ - جلال الدین السيوطی، الدر المنثور و فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، (بیروت: دار المعرفه، بی تا)، ص ۲۴۴.
۱۱۳ - علی قاسمی، نظام حیات خانواده در اسلام، (تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، بی تا)، ص ۲۲۱.
۱۱۴ - همان، ص ۲۲۳.
۱۱۵ - شریعتمدار جزایری، پیشین، ص ۹.

انسان ها برای زندگی راه و رسمی را انتخاب می نمایند که یکی از آنها دینی است که پیامبران به انسان ها می آموزند ، چون اساساً در عرف قرآن دین به راه و رسم زندگ اطلاق می شود ومومن و کافر وحتى کسانی که صانع را منکرند، بدون دین نیستند زیرا زندگی انسان بدون داشتن راه و رسمی خواه از ناحیه نبوت و وحی باشد یا از راه وضع و قرارداد بشری اصلاً صورت نمی گیرند . [7]

اگرچه انسان در مقام برخورد با هموعان خود اجتماع تعاونی را پذیرفته و بدین وسیله در حقیقت بخشی از آزادی عمل خود را برای نگهداری بخشی دیگر فدا نموده است. ولی مجرد بناگذاری اجتماع تعاونی با وجود عدم تعادل و تفاوت فاحشی که در مقام موازنه در نیروی روحی وجسمی افراد است دردی را دوا نمی کند و برخورد منافع افراد همین اجتماع که برای اصلاح و رفع اختلاف به وجود آمده ، اولین سبب بروز فساد و اختلاف بدین ترتیب ضرورت یک سلسله مقررات مشترک در میان افراد یک جامعه کاملاً حس می شود، زیرا بدیهی است که حتی در یک معامله داد و ستد ناچیز اگر مقررات مشترکی که نزد فروشنده و خریدار قابل قبول و محترم باشد، وجود نداشته باشد معامله تحقق نمی پذیرد . پس باید در میان افراد جامعه قوانینی به وجود آید که با جریان آن، اجتماع از متلاشی شدن و منافع افراد از ضایع شدن، محفوظ و مصون بماند و دستگاه آفرینش که هدایت انواع به سوی هدف و سعادتشان جزو برنامه اوست، انسان را به سوی قانونی که سعادت جامعه را تضمین می کند هدایت نماید .

خداوند متعال می فرماید : «من نطفه خلقه ففده ثم السبیل یسره» ۱۱۶ «آسان نمودن راه زندگی برای انسان زندگی اجتماعی برایش مقدور شده است، این است که قوانین و مقرراتی در دسترس وی گذاشته شود» ۱۱۷ که از جمله آنها موضوع امنیت عمومی و زندگانی اجتماعی انسان ها است.

این موضوع از موضوعات و مباحث اصولی الهی به ویژه دین مبین اسلام است و به تعبیر دیگر دومین هدف پیامبران بعد از تبشیر و انذار (هشدار دادن) ۱۱۸... ایجاد امنیت و نظم عمومی از طریق رفع اختلاف بر مبنای کتاب الهی است و خداوند بعد از انذار خویشاوند به پیامبر (ص) می فرماید : «و اخفض جناحک لمن اتبعک من المومنین» ۱۱۹ «و بال و پر خود را برای مومنانی که از تو پیروی میکنند بگستر»

چه تشبیه زیبایی یعنی همچون پرندگان که برای عزیز ترین افراد که همان جوجه هایشان می باشند بال و پر می گشاید و با مهر و محبت آنها را زیر بال خود آرامش و امنیت می دهند تا از خطرات سردی و گرمی و حملات موجودات دیگر حفظ شوند تو نیز ای پیامبر رحمت کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان آوردند و خود را از عوامل جاهلی مخرب امنیت همچون سوء ظن، غیبت و تجسس، توهین و استهزاء،

۱۱۶ - عبس، ۲۰

۱۱۷ - سید محمد حسین طباطبایی، قرآن در اسلام، (قم: اسلامی، ۱۳۶۱ ش)، ص ۹

۱۱۸ - شاهرخ محمد بیگی، «سیمای امنیت در گستره آیات الهی» فصلنامه فرهنگ فارسی، سال دوم، شماره ۵ (۱۳۷۴ ش)، ص ص ۱۱۴-

۸۷

۱۱۹ - شعراء، ۲۱۵

عیب جویی، ظلم و تجاوز و سرقت و بی بند و باری و غیره دور کنند زیر بال و پر خو بگیر و با تواضع توأم با محبت و مهر و ملاحظت با آنها رفتار کن تا هم در برابر حوادث احتمالی مصون مانند و هم از تشتت و پراکندگی حفظ شوند ۱۲۰

ب- امنیت حرم

امنیت نخستین و مهمترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است، به همین دلیل ابراهیم (ع) هنگام بنای کعبه نخستین چیزی را که از خدا برای آن سرزمین تقاضا کرد تحت امنیت بود. «رب اجعل هذا البلد آمناً» ۱۲۱ و نیز به همین دلیل سخت ترین مجازات ها در فقه

اسلامی، برای کسانی در نظر گرفته شده است که امنیت جامعه را به خطر می افکنند. ۱۲۲

این بلد امن، مرکزی برای ایجاد عدالت و امنیت و نظم عمومی قرار داده شده است. [8]

جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس ۱۲۳

ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا و هدى للعالمين ۱۲۴

اولین خانه ای که برای قیام مردم ساخته شده و خداوند آن را محترم شمرده همانا کعبه است. با این تلقی که قبله ما محل قیام (به قسط و عدالت) است می توان گفت که عبادت ما عین عدالت ماست و عدالت ما عین مبادرت ماست. ۱۲۵

در حج این مراسم عبادی - سیاسی مسلمانان، همگی می آموزند که چگونه می توان با کمال امنیت و نظم با یکدیگر زندگی کرد، امنیت اجتماعی در پرتو برخورداری افراد یک جامعه از عقاید صحیح، اخلاق حسنه و احکام الهی حاصل می شود. ۱۲۶

داستان زندگی حضرت سلیمان (ع) در قرآن یک نمونه عالی از حکومتی است که توانست امنیت اجتماعی را در جامعه ایجاد نماید.

ج - اسلام دین رحمت یا خشونت

هدف دین اسلام از دستورات قاطع برای جلوگیری از متجاوزین به امنیت اجتماعی، ایجاد جامعه ای سالم و به دور از فساد و فجور است.

اگر دین مبین اسلام برای مجازات مفسدین دستورات قاطع دارد دلیل بر خشونت آن نست بلکه دلیل بر ضرورت بر خورد قاطع با مسئله

ای مهم به نام انحلال در امنیت جامعه است رحمت و شفقت آن قدر در اسلام تأکید شده است که روایات بسیاری در این باره نقل

گردیده است تا جایی که از پیروان خود می خواهد:

۱۲۰ - مکارم شیرازی، پیشین، ص ۳۶۷

۱۲۱ - ابراهیم، ۵۳

۱۲۲ - مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۲، ص ۵۳۹

۱۲۳ - مائده، ۹۷

۱۲۴ - آل عمران، ۹۶

۱۲۵ - محمد بیگی، پیشین، صص ۸۷-۱۱۴

۱۲۶ - همان.

به حیوانات ترحم نمایند، آنها را اذیت و آزار نکنند در جایی نقل شده است که اگر پرندۀ ای خواب بود موقع خواب برای شکارش نرو، اگر پرندۀ ای بال نداشت به طرف آن هم نرو، گوسفند را روبروی گوسفند دیگر ذبح نکن، هنگامی که از گاو شیر می دوشید ناخنهایتان را بگیریید تا پستان های گاو را اذیت نکند. ۱۲۷

روایات فوق نشانگر رحمت و شفقت بسیار و بی منتهی در اسلام است اما در کنار این رحمت دستور قاطع هم برای مجازات متجاوزین به امنیت جامعه (که از حقوق عموم مردم است) دارد لذا می بینیم که در آیه شریفه ۱۲۸ مذکور دستور قبل، نفی بلد صادر شده است تا امنیت و آرامش جامعه دچار اختلال نشود. قبلاً در مورد ضرورت امنیت برای حیات جوامع بحث شده چرا که اگر امنیت از جامعه ای رخت بر بندد و به جای آن اغتشاش و آشوب حاکم گردد ادامه زندگی در آن جامعه ممکن نیست در نتیجه این بحث، به این مطلب پی می بریم که اسلام دین رحمت و مجازات را به جای خود لازم دانسته و به کار می بندد. [9]

د - امنیت اجتماعی نه جامعه امنیتی

امنیت عمومی زمینه ساز همبستگی و انسجام اجتماعی است و به هر میزان که امنیت و اخلاقی در داخل کشور مستحکم تر باشد و مردم نسبت به این موضوع اعتماد بیشتری داشته باشند، میزان همبستگی و انسجام اجتماعی نیز افزایش می یابد. ۱۲۹

امنیت عمومی یک تولید اجتماعی، آنچه ما امروز در سطح جامعه می بینیم محصولی است از آنچه کاشته ایم و باید در چرخه تولید امنیت همه کوشا باشیم و احساس تکلیف کنیم، امنیت اجتماعی یعنی اینکه مردم در همه چرخه های تولید، نگهداشت و در توسعه امنیت سهم داشته باشند و نقش آنها تعریف شده و روشن با رویکردی انسان مدارانه است. ۱۳۰

از دیگر تقسیم بندی های امنیت از دیدگاه قرآن می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- امنیت سیاسی

- امنیت قضایی و نظامی

- امنیت اقتصادی

۱۲۷ - طبیعی، پیشین، ص ۴۰

۱۲۸ - مائده، ۳۳

۱۲۹ - ید الله جوانی، «امنیت اجتماعی و آرامش»، ترجمه مجتبی عزیزی، هفته نامه صبح صادق، (۸۳/۱۲/۲۴)، ص ۴

۱۳۰ - همان

بدون تردید امنیت از دو راه به وجود می آید زور و اعتقاد (قانون و دین) آنگاه که فردی می خواهد به دیگری تجاوز کند و او را مال و در آمدش محروم سازد و اگر خواست لقمه نان وی را از دهنش بیرون آورد و به دهان خود بگذارد قدرت و زور است که زمینه فعالیت فرد متجاوز را خنثی می کند و نمی گذارد متجاوزین، به هدف خود نائل گردند و پا را از گلیم خود فراتر نهند اگر چه زور و قدرت برای بهبود آمدن امنیت عامل مهمی است و چماق قانون است که بشر را کنترل می کند و امنیت را به وجود می آورد اما باز نمی تواند تجاوز خیانت را ریشه کن سازد زیرا انباشته شدن زندانها و افزایش زندانیان ومخارجی که از این راه بر بودجه ملت و مملکت گذاشته می شود ، قابل انکار نیست . از این رهگذر است که درک می کنیم که قانون به تنهایی و یا به ضمیمه اجراء آن نمی تواند اجتماع را اداره کند و امنیت کامل را به وجود و چه بسا برای اعمال زور و اجرا قانون ، راه دیکتاتوری و استبداد پیش گرفته می شود و قانون پایمال می گردد ، آنچه قابل اهمیت است و در سرنوشت انسانها موثر است و در اجرا و وضع قانون مفید است . ۱۳۱

زیرا هر چند قانون، کامل باشد و مجری آن نیرومند باز اعتقاد مجریان قانون، شرط حفظ قانون است، چون اگر برای یک نفر مجرم چند مأمور گمارده شوند هر گاه اجراء کننده قانون معتقد به قانون نباشد و ایمانی به خدا و روز رستاخیز نداشت باشد، چه کسی مجری قانون را کنترل می کند؟! ۱۳۲

بنابراین ، اگر بخواهیم به وضع قانون و اجراء آن اکتفا کنیم وتوجهی به عقاید نداشته باشیم به نتیجه عالی نخواهیم رسید از همین رهگذر بود که بشر ما قبل او تاریخ برای ایجاد پلیس قلبی که همیشه انسان را کنترل کند و به دنبال آن امنیت واقعی به وجود آید راههای مختلفی از خود نشان داده است اگه خلاصه آن اشکال مختلف دین است، بشر عصر حجر ، برای ایجاد امنیت ، خدایان طائفه ومنزل و شهر را در نظر می گرفت و با یاد آنها بودن ، از بسیاری از کردا ناشایست صرفنظر می کرد از مفاصد جلوگیری می نمود و آنچه را ناپسند می دانستند از آن صرف نظر می کردند واز همین طرفین پرستش خدایان عصر حجر شروع می گردد . ۱۳۳

از آنچه ذکر شد به این نتیجه می رسیم که قانون، منهای دین، نمی تواند سعادتملت ها را تأمین کند وباید همراه با دین باشد ، تا سعادت ملت ها را به همراه داشته باشد، زیرا هر گاه بشر اعتقاد به قانون و حقایق ما فوق طبیعت و رموز درونی خود داشته باشد، محتاج به مجری قانون و اجراء آن و خرجهای گزافی نخواهد بود چنانکه در عصر مختلف قبل از تاریخ و یا عصر پیغمبران قبل از اسلام و یا زمان پیغمبر اسلام (ص) این آثار را به چشم می بینیم. [10]

بخش اول : اقتصاد

از عواملی که در تأمین امنیت موثر است عامل اقتصادی ات در تعریف امنیت اقتصادی اشاره شد که در این حالت افراد جامعه به راحتی می توانند امرار معاش نموده و از نظر تأمین غذا و آذوقه و مسکن و لباس مشکلی چندان ندارند . یا به عبارت دیگر در این حالت مردم با امنیت و آسایش نیازهای معیشتی خویش را بر طرف نموده و زندگی را در سلامت از امراض و آلودگی های جبران نمی نمایند . ۱۳۴

امروزه اکثر کارشناسان معتقدند که پس از پایان جنگ سرد، دیگر قدرت نظامی و سیاسی کارآیی چندانی در دوام و استمرار و امنیت کشورها نخواهد داشت ، بلکه آنچه که امروز نقش تعیین کننده را در عرصه ی بین المللی ایفا خواهد نمود «اقتصاد» و «قدرت اقتصادی برتر» است . در این راستا با اعتقاد به نظریه اقتصادی محور معتقدند که «رهیافت اقتصاد محور» عدم رشد و توسعه اقتصادی و مشکلات ناشی از آن مهمترین مسایل امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. مبنای ارزیابی نظریه های مذکور «ابراز اقتصادی و اهمیت آن» است.

۱۳۵

بر اساس این نظریه عده ای معتقدند که پس از جنگ سرد، دنیا، بر اساس اقتصاد می چرخد و دنیای پس از جنگ سرد را دنیای اقتصاد می دانند و می گویند که این دیگر نظامی گری نیست همچنین معتقدند که ایران اسلامی نیز امروزه باید به این مهم اهتمام ورزد و دولت با تلاش وافر در تأمین آن اقدام نماید، چرا که « اگر نظام کار آمدی نداشته باشد، نتواند به مشکلات مردم پاسخ دهد و مشکلات مردم را حل کند، خیلی راحت مشروعیت خود را از دست خواهد داد . خصوصاً در کشوری که ریزش توده های عظیم از طبقات میانی به سمت گروه های پایین و زیر خط فقر بسیار زیاد است» ۱۳۶

عده ای از کارشناسان ایرانی نیز معتقدند که :

پس از جنگ سرد قدرت ، جلو ، در اقتصاد دارد ، زیرا هم اکنون قطب های قدرت عمدتاً بر اساس معیارهای اقتصادی و نه نظامی و غیره شکل می گیرند ، بنابراین اکنون عامل اقتصاد مهم است بر اساس این نظریه اگر قدرت اقتصادی ما روند کنونی را طی کند و حتی اگر سیر نزولی بگیرد ، در آینده خطرات زیادی متوجه ما خواهد بود . ۱۳۷

متأسفانه بخش عظیم بار مشکلات اقتصادی هم بر دوش طبقات پایین جامعه است، مستضعفان ، محرومان ، مشکلات اقتصادی بر روی طبقات ضعیف کارمندان دولت، کارگران، اجزای نیروهای مسلح و طلاب علوم دینه فشار می آورد ... که فشار اقتصادی بر بعضی از کیسه های اقتصادی هم هست ۱۳۸

۱۳۴- تقوی دامغانی ، پیشین ، ص ۲۶

۱۳۵ - تقوی و امیخانی ، پیشین ، ص ۲۹

۱۳۶ - شایان فر ، پیشین ، ص ۱۳۸

۱۳۷ - میر حسین موسوی «استمرار آزادی بدون عدالت اجتماعی ممکن نیست» ، ترجمه علی بهمنی ، هفته نامه صبح صادقی

(۱۳۷۹/۷/۱۳) ، ص ۸

۱۳۸ - مقصود رنجبر ، ملاحظیات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ، (تهران: راهبردی ۱۳۷۸) ، ص ۲۷

چنان که رهبر معظم انقلاب در این باره می فرمایند :

عمدتاً طبقات پایین جامعه از فشار مذکور بوده و در فشار می باشند، این قشر در غین فقیر بودن اما از نفوذ و تأثیر بیشتری در جامعه برخوردار است و می توان گفت از قشرهای عظیم و فعالی هستند که می توانند در تحول نقش به سزایی را داشته باشند، بنابراین اگر فشار اقتصادی آنان روز به روز شدید تر شود ، طبیعی است که بر همین نارضایتی ، اعتراض عمومی را برانگیخته و تشدید می کند در نتیجه نظام و امنیت جامعه از هم پاشیده می شود . ۱۳۹

در تعالیم حیات بخش اسلام، به نیازهای مادی انسان توجه شده است. اسلام نظامی کامل و جامع برای رفع نیازهای اقتصادی انسان ارائه داده که در آن اثری از افراط و تفریط نیست . قرآن انسانها را دعوت به کار و کوشش می کند . [11]

«و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری» ۱۴۰

«سعی» در اصل به معنی راه رفتن سریع است که به مرحله دویدن نرسیده، ولی غالباً به معنی تلاش و کوشش به کار می رود ، چرا که به هنگام تلاش و کوشش در کارها حرکات سریعی انجام می دهد ، خواه کار خیر باشد یا شر ، و یا آیا خبر ندارد که سعی و کوشش او به زودی دیده می شود . ۱۴۱

اگر چه کار و کوشش در آیه فوق عام است و هرگونه کار اقتصادی و غیر آن را شامل می شود ولی یکی از مصادیق آن فعالیت اقتصادی است .

اسلام چنان اهمیتی برای ارضاء نیاز اقتصادی قائل است که پیامبر اکرم (ص) فقر را عاملی برای نزدیکی به کفر می دارند و می فرماید : «کاد الفقر ان یکون کفراً» ۱۴۲ و حضرت علی (ع) نیز آن را مرگ بزرگتر می داند : «الفقر الموت الاکبر» ۱۴۳ «فقر و نادانی مرگ اصلی و مهمتر است» .

اما توجه به نیازهای مادی نباید از مسیر اصلی خود منحرف و انسان را به وادی ثروت اندوزی با استثمار دیگران بکشد. بر همین اساس که قرآن ثروت اندوزی را نهی می کند .

«و الذین یکنزون الذهب و الفضه ولا ینفقونها فی سبیل الله فیرشهم بعذاب الیم» ۱۴۴

«کسانی که طلا و نقره را می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند. آنان را به عذابی دردناک بشارت بده»

۱۳۹ - معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه ، پیشین ، صص ۱۲۲-۱۲۱

۱۴۰ - نجم ، ۳۸ و ۳۹

۱۴۱ - مکارم شیرازی ، پیشین ، ج ۴۲ ، ص ۵۵۰

۱۴۲ - پاینده ، پیشین ، ص ۳۹۹

۱۴۳ - دشتی ، پیشین ، حکمت ۱۶۳

۱۴۴ - توبه، ۳۳

ر اسلام ضمن آنکه مالکیت حقیقی بر همه موجودات و آنچه که در آسمان ها و زمین می باشد از آن خداوند است، مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته شده است و در کنار آن محدودیت های اخلاقی چون انفاق ، احسان ، اطعام مسکین، صدقه و منع اسراف ، کم فروشی ، انباشت مال و نظایر آن و همچنین محدودیت های شرعی و قانونی چون خمس و زکات را برای همه افراد جامعه واجب کرده است تا مالکیت خصوصی موجب تمرکز ثروت و بروز و ظهور فاصله نامعقول طبقاتی نشود . [12]

قصاص

یکی از ارکان امنیت قصاص است که انسان را از صدمات و شرور بدخواهان در امان می دارد شورش ، ستم و فتنه سه عامل هستند که اگر در هر جا رخ بنمایند خطر ایجاد می کنند و آرامش و امنیت هر منطقه را مرد تهدید قرار می دهند ، تنها قاضی عادل است که این توانایی و امکان را می دهد تا افراد ضعیف و مبتلای غم و اندوه را از رنجها نجات بخشیده و برای سمتکاران ، گردنکشان و بدکاران حد و ترمزی ایجاد می کند. اسلام برای شورشیان اقامه حدود، برای زورگویان، متجاوزان داوری عادلانه و برای آشوبگران کیفر عقوبت تهیه دید تا شر این سه گروه را با قدرت قصاص از میان بردارد و ریشه کن سازد . ۱۴۵

اسلام قصاص را برای اجتماع همانند دیوار محکمی در برابر شر آشوبگران و متجاوزان قرار داده است، بهتر بگوییم که اسلام قصاص را همچون نگهبان بیداری برای افراد مختلف می داند نگرهبانی که قادر است برای مردم حیاتی دائم و سرشار از آرامش و اطمینان خاطر پدید آورد . ۱۴۶

قرآن کریم می فرماید :

«ولکم فی الصاص حیاه یا اولی الالباب لعلکم تتقون»

«ای خردمندان قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر از قتل بکدیگر بپرهیزید» ۱۴۷

در حقیقت قصاص همان ضامن اجرای قوانین آسمانی است که نسخ کننده ای از پیش و پس برای آن نیست. وضع و تشریح مردم نمی باشد زیرا مردم تابع هوای نفس و اغراض می شوند، خواسته های فرمانروایان را اجابت می کنند، و در وضع قوانین الحق ناتوانند . ۱۴۸ اسلامی که درباره کسی حدی اجرا می کند قصد به ندارد بلکه می خواهد این امر عبوتی برای آن عده از مردم باشد که اعراض دیگران را کوچک می شمارند و دوباره اهمیت خانواده بی توجهند ، قرآن در این باره می فرماید .

و الذین یرمون المحصنات ثم لم یاتوا باربعه شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدہ ولا تقبلوا لهم شہادہ ابدًا و اولئک هم الفاسقون

۱۴۵ - عبدالله السمان، اسلام و امنیت جهانی، ترجمه علی قائمی، (تهران: شناخت اسلامی، بی تا) ، ص ۸۰

۱۴۶ - همان

۱۴۷ - بقره ، ۱۷۹

۱۴۸ - گروهی از نویسندگان ، پیشین ، ص ۴۱

آنانکه به زنان یا عفت و مومنه نسبت زنا دهند و چهار شاهد بر صدق دعوی خود نیاوردند به ۸۰ تازیانه کیفر دهید دیگر هرگز شهادت آنها را نپذیرید که مردمی فاسق و بدکارند . ۱۴۹

اسلام درباره شرابخور نیز که گویی یک باره خود را از جمع بشریت دور داشته و ساعاتی همانند حیوانات بدون اراده و اندیشه سر می کند و آسایش جامعه را سلب می نماید، حدودی معین کرده است، حاکم شروع حد تازیانه را بر اوجاری می سازد . زیرا می خواهد مایه شر، بلیشوئی و ناسکونی در جامعه از میان برود . [13]

دزدی که مرتکب سرقت می شود به حقیقت امنیت اجتماعی را به خطر می اندازد و آسایش جامعه را به بازی می گیرد، اسلام جزای او را قطع دست قرار داده است تا مال جامعه محفوظ بماند، هرگز نباید تصویر کرد که چنین عقوبتی برای دزد از روی سنگلی است نه او مستحق چنین عقوبت است زیرا آسایش و امنیت اجتماعی را بر هم زده و چه بسا که کار او به خونریزی ، و خرابکاری و ویرانگری منجر گردد . گروهی از مسلمان نمایان نادان که دماز تمدن می زنند، ونیز برخی از متعصبان غیر مسلمان در برابر این قانون اسلام سر و صدا به راه می اندازند که چرا اسلام دست دزد رامی برد؟ آیا اینقانون را وحشیانه می شمارد، ما نمی دانیم آیا به کار بردن این لغت «وحشیانه» برای دزدی که مال ، امنیت و خون مردم را به بازی می گیردبیشتر صادق است یا درباره قانون آسمانی اسلام که می خواهد خون، مال و جان و امنیت جامعه مصون بماند . ۱۵۰

البته این نکته را هم بایددانست که اسلام درباره دزد به سادگی اقامه حد نمی کند و دستش را نمی برد . بلکه وضع زندگی و کیفیت روانی او را هم در نظر می گیرد فی المثل اگر کسی به علت گرسنگی، فقر، نیازمندی دست به دزدی زند حد اسلا درباره او اجراء نگردد بلکه با وی معامله افراد مضطر و بیچاره خواهد شد . ۱۵۱

حکم قرآن درباره مضطر چنین است:

«انما حرم علیکم المیتة والدم و لحم الخنزیر و ما اهل به لغیر الله فمن اضطر غیر باغ ولا عاد فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم»
[بدانید که خداوند] بر شما می داند مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نامی جزء نام خدا به هنگام ذبحش برده باشند، حرام کرده است، اما اگر کسی ناچار و مضطر شود، وتجاوز کار و زیاده نباشد [و از آنها بخورد] گناهی بر او نیست چرا که خداوند آموزگار مهربان است. ۱۵۲

اسلام محاریان و آنهایی را که علیه فرمان خدا و پیامبر قیام کردند و در زمین افساد نمودند جزو خرابکاران می داند بدین نظر برایشان کیفری سخت معین کرده که میزان آن تناسب جرم و جنایاتشان متفاوت است، اقل عقوبت و کیفر این است که آنها را تبعید نمایند ۱۵۳ قرآن می فرماید :

انما جزاء الذين يحاربون الله و رسوله ويسعون في الارض فسادا ان يقتلوا او يصلبوا او تقطع ايديهم و ارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ذلك لهم خزي في الدنيا و لهم في الآخرة عذاب عظيم

کیفر آنان که با خدا و رسوله او به جنگ برخیزند و در زمین به فساد بکوشند جز این نیست که آنها را به قتل رسانده، و یا بردار خطر کشند، و دست پایشان را بر خلاف هم (دست راست و پای چپش یا بر عکس) ببرند . یا آنان را از سرزمین افراد صالح و شایسته تبعید نمایند ، این ذلت و خواری دنیوی آنهاست و در آخرت به عذابی سخت و بزرگ معذب خواهند بود . ۱۵۴

این ها که ذکر کرده و بر شمرده ایم حدود شریعت اسلامی است که اگر امروز اجرا می شد جامعه ما حیات پر از امنیت و آسایش داشت. جامعه ای می شد که در آن نگرانی، ناراحتی، دلواپسی ، تشویش و بلوا وجود نداشت اگر در کشورهای اسلامی

ملت هایی زنده زندگی می کردند و از احکام زنده خود می خواستند که این حدود الهی را احیاء و اجرا کنند، هیچ گاه شورشیان، آشوب خواهان نمی توانستند شهرها و کشورها را چراگاههایی پر برکت برای خویش به حساب آورده و به تاخت و تاز بپردازند ۱۵۵ بخش دوم : علم و آگاهی

علم و آگاهی یکی دیگر از عوامل ایجاد امنیت است این موضوع از د راه قابل بررسی است :

الف – بالا بردن فرهنگ عمومی جامعه اسلامی

قرآن می فرماید : «ولا تقف ما ليس لك به علم ان السمع والبصر و الفواد كل اولئك كان عنه مسؤولا» ۱۵۶ و در تفسیر این آیه چنین آمده است :

۱۵۳ - السمان، پیشین، ص ۸۸

۱۵۴ - مائده ، ۳۳

۱۵۵ - السمان ، پیشین ، ص ۸۸

۱۵۶ - اسراء ، ۳۶

در جامعه اسلامی تأییدها و تکذیبات باید بر اساس شناخت باشد نه بر پایه شایعات و گمانها، در این آیه به یکی از مهمترین اصول زندگی اجتماعی اشاره شده است که نادیده گرفتن آن نتیجه ای جزء هرج و مرج اجتماعی و از بین رفتن روابط انسانی و پیوندهای عاطفی نخواهد داشت و اگر به راستی این برنامه قرآنی در کل جامعه انسانی و همه جوامع بشری به طور دقیق اجرا شود بسیاری از نابسامانیها که از شایعه سازی و جوسازی و قضاوت های عجولانه گمانهای بی اساس و اخبار مشکوک و دروغ سرچشمه می گیرد و بر چیده خواهد شد. هیچ کس به دیگری اطمینان پیدا نخواهد کرد و آبرو و حیثیت افراد همواره در مخاطره قرار خواهد گرفت. ۱۵۷ علت این همه تأکید در زمینه زندگی اجتماعی با کمی دقت روشن می شود زیرا، عظمت و توانایی و قدرت و سر بلندی یک ملت، جز در سایه تفاهم و تعاون ممکن نیست. اگر مشاجره ها، اختلافات کوچک اصلاح نشود ریشه عداوت و دشمنی تدریجاً در دلها نفوذ می کند، و یک ملت متحد را به جمعی پراکنده مبدل می سازد، جمعی آسیب پذیر، ضعیف و ناتوان در مقابل هر حادثه و هر دشمن و حتی میان چنین جمعیتی بسیاری از مسائل اصولی اسلام همانند نماز و روزه و یا اصل موجودیت قرآن به خطر خواهد افتاد.

«انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم» ۱۵۸

«مومنان برادرند، پس بین دو برادر خویش اصلاح برقرار کنید» [14]

ب- اطلاع رسانی به جامعه در جهت رفع ابهامات

قرآن می فرماید: «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً» ۱۵۹ همچنین در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر به این امر اشاره شده است که: زمانی که ملت گمان کردند تو نسبت به آنها ظلم و ستم روا داشته ای، وظیفه داری دلایل و براهین خود را نسبت به کاری که موجب سوء ظن ملت و زدن اتهامات ده است را به طور آشکار و بدون هیچ ابهامی برای عموم ملت بازگو کنی، به طوری که با بیان صریح دلایل و براهین تو، سوء ظن و موارد اتهام از طرف ملت بر طرف شود. ۱۶۰ زیرا این کار تو:

۱- باعث تعلیم و تقویت نفس خودت به عدالت خواهد.

۲- نسبت به ملت، نهایت ملاحظت و مهربانی را کرده ای

۳- ملت را متوجه قدم نهادن در راه مستقیم و حق نموده ای

۴- موجب امنیت و آسایش مملکت تو خواهد بود. ۱۶۱

بخش سوم: امر به معروف و نهی از منکر

۱۵۷ - مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۱۸

۱۵۸ - حجرات، ۱۰

۱۵۹ - یونس، ۳۶

۱۶۰ - علی انصاریان، قانون اساسی حکومت امام علی (ع)، (تهران: وزارت ارشاد اسلام، ۱۳۶۳)، ص ۳۰

۱۶۱ - همان

رکن مهم در ایجاد امنیت و حفظ امنیت از قواعد محکم و استواری که اسلام فوق العاده بدان توجه کرده و بنای امنیت و سکون جامعه را بر آن قرار داده است قاعده امر به معروف و نهی از منکر است اسلام امر به معروف و نهی از منکر را بر هر انسانی که قدرت و استطاعت نسبی آن را دارا است واجب گردانیده است و این حد و جوب از لحظه بلوغ شرعی و تشخیص و تمیز و نا حق گریبانگیر آدمی است. ۱۶۲ در آن هنگام که انسانی مردم را به عمل نیک فرمان دهد و با انجام کارهای شایسته تشویق نماید پیداست که نیکی گسترش و عمومیت خواهد یافت و با امر به معروف توانسته ضمن اینکه فریضه دینی واجتماعی خود را انجام داده است راه را برای برقراری صلح و سلام بگشاید و همواره کند و به هنگامی که فرد بدکار در مسیر حرکت و تباهی خود مانعی سر سخت ببیند و بنگرد بر خلاف رفتارش مقاومت می کند و اعمالش را ناپسند می شمارند و یا او را برتری آن عمل و دوری و برکناری از آن وا می دارند، بدی و بدکاری از جامعه رخت بر می بندد و جامعه از خطرات و ماجراهای ناگوار در امان می ماند. ۱۶۳

زمانی که چشمه نیکی ها در اثر بی توجهی بخشکد و ریشه فساد و تباهی با نبودن مانع گسترده شود شاخه زند، نیرومند و آبیاری گردد، دیگر در چنان جامعه ای نباید انتظار امنیت داشت و آرامش و سکون آرزو کرد، یا طبیعی است با چنین شرایطی آب گوارا از گلوها فرو نرود و همچنان در انتظار آب گوارا باشیم. ۱۶۴

اسلام امنیت را نعمت و بخششی از جانب خدا به حساب می آورد و از آن بابت که مهمترین وسایل و ابزار آسودگی و سعادت مندی را برای زندگی بشریت فراهم آورده انسان در سایه امنیت است که از رفتن فن و بلا، نتایج تباهی ها و بدکرداریها در امان می ماند و نیز در سایه امنیت است که آدمی به معانی لذت، آرامش و سکون دست پیدا می کند. ۱۶۵

ابراهیم موحد به هنگامی که این ادعا را کرد که در پهنه آن سامان همسر عزیز و فرزند دلیندش را امانت وار به خدا می سپرد، او می خواست در آن سرزمین جمعیتی گردهم آیند و در آرامش و سکون به سر برند، نعمت امن در آن سرزمین و نواحی آن منتشر شود ۱۶۶

قرآن در این باره چنین می فرماید :

و سخر لكم الشمس و القمر دائبین و سخر لكم الليل و النهار و آتاكم من كل ما سالتموه وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم كفار و اذ قال ابراهيم رب اجعل هذا البلد امنا و اجنبی و بنی ان نعبد الاصنام [15]

بیان آن زمانی را که ابراهیم عرض کرد پرودگارا این شهر را مکان امن و امان قرار داده و من و فرزند نام را از پرستش بتان دور دار پرودگارا این بتها و بت تراشان بسیاری از مردم را گمراه کرده اند ، هر کس در راه توحید پیرومن است او از من است و هر که مخالفت می کند و راه شرک و عصبان بیپوید اختیارش با توست که خدایی بخشنده و مهربانی ، پرودگارا من ذریه و فرزندان خود را در وادی بی

۱۶۲-السمان ، پیشین ، ص ۲۸

۱۶۳ - همان

۱۶۴ - همان

۱۶۵ - همان ، ص ۲۸

۱۶۶ - همان ، ص ۲۹

کشت زرع، به نزدیک خانه محترم تو برای به پا داشتن نماز مسکن دادم، بار خدایا تو دلهای مردمان را به سوی آنها مایل گردان، و به انواع ثمرات آنها را روزی ده، باشد که شکر نعمت های تو به جا آوردند . ۱۶۷

خداوند مومنان را به حق وعده فرموده که نعمت امنیت را در امتداد زندگی دنیوی شان بذاتها بچشانند، مومنانی را که راه فرمایش در پیش گیرند و هدایت را بر گمراهی پرهیزگاری را بر سر کشی، حق را به ناحق ترجیح دهند، از ظلم و ستم بپرهیزند و از خود سری و استبداد و کوچک شمردن حق و قانون در گذرند ۱۶۸ قرآن در این زمینه چنین می فرماید :

«الذین آمنوا ولم یلبوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون» ۱۶۹

«آنان که به خدا گرویده و ایمان خود را به ظلم و ستم نیالودند ایمنی آنها را است و هم آنان به حقیقت هدایت یافته گانند»

و وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکنن لهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا بشرکون ی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الف ۱۷۰

خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که آنان را در این سرزمین جانشین پستیبان گرداند، و دینشان را که بر آنان

می پسندند، برای آنان پایگاه دهد ، و بعد از بیمناکیشان به آنان امن و امان ببخشد [تا] مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند و هر کس که بعد از این کفر ورزد اینانند که نافرمانند .

امر به معروف و نهی از منکر از جمله اموری که انسانهای مومن به آن ملزم شدهاند مسئله نظارت عمومی و یا امر به معروف و نهی از منکر است در قرآن آمده است :

«ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف وینهون عم المنکر و اولئک هم المفلحون» ۱۷۱

«و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند»

محدوده این امر به معروف و نهی از منکر برای ناس یعنی تمام مردم است، «کنتم خیر امه اخرجت تأمرون بالمعروف و تنهون عن

المنکر» ۱۷۲ «شما بهترین امتی» هستید که برای مردم پایدار شده اید در حالی که به کار پسندیده فرمان دهید و از کار ناپسند باز دارید .

بدیهی است کسانی که توانایی انجام این واجب الهی را خواهند داشت که اول به خودسازی پرداخته باشند :

۱۶۷ - ابراهیم ، پیشین ، ص ۲۹

۱۶۸ - انعام ، ۸۲

۱۶۹ - انعام ، ۸۲

۱۷۰ - نور ، ۵۵

۱۷۱ - آل عمران ، ۱۰۴

۱۷۲ - همان ، ۱۱۰

امه قائمه يتلون آيات الله آناء الليل و هم يسجدون يومنون بالله و اليوم الاخر و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر . گروهی درست کردند که آیات الهی را در دل شب می خوانند و سر به سجده می نهند ، به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند باز می دارند ۱۷۳ .

مسلمان به وسیله این خودسازی و نظارت عمومی ، در جامعه جوی را فراهم می کنند که اصلاحات اجتماعی با سرعت بیشتری پیش رود ، « و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین » و در کارهای نیک نیک شتاب می کنند و آنان از شایستگانند « [16] .

این نظارت عمومی می تواند هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی داشته باشد . که جنبه گروهی آن به مراتب اثر بیشتری خواهد داشت ، ناگفته نماند که در مسئله امر به معروف و نهی از منکر وسعت دید یعنی شناخت زمان و مکان به عبارت دیگر گستره بینش و شناخت مسائل و مشکلات جامعه ، از اهمیت بالایی برخوردار است ، در صورتی که انسانهای مؤمن و دارای بینش وسیع توان و خود را صرف این امر کنند بهره بیشتری حاصل می شود ۱۷۴ .

از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر یکی از ابواب جهاد ۱۷۵ و از مصادیق بارز جهاد فی سبیل الله است بر این اساس و بنا به توصیه قرآن در جهاد باید سراغ مهره های اصلی رفت : « فقاتلوا ائمه الکفر » ، « پس با پیشوایان کفر بجنگید » ۱۷۶ در این منظر قرآنی ، سرگرم شدن به معلولها و غفلت از علت ها موجب ناکامی امر به معروف و نهی از منکر می شود . [17]

دیگر اینکه در راه امر به معروف و نهی از منکر باید همواره از انسانهای مومن و صالح کمک گرفت و از کسانی که اعتقاد به این هدف ندارند دوری جست زیرا :

ما از انقلاب حضرت سیدالشهداء (ع) درس می گیریم که نباید نسبت به انجام فریضه مقدس امر به معروف و نهی از منکر بی تفاوت باشیم امام حسین (ع) و امام خمینی (ره) با عمل خود به ما آموختند که در فشار و اختناق می توان حرکت نمود و انقلابی به وجود آورد . لذا باید امر به معروف را طوری انجام بدهیم که معصومین (ع) انجام می دادند . ۱۷۷

در تاریخ کربلا چنین می خوانیم که :

امام حسین (ع) در میان راه به « عبیدالله بن حر » برخورد کرد ، امام (ع) به دیدن عبیدالله رفت و او را احترام فراوان نمود اما هنگامی که امام او را دعوت به یاری نمود ، او سوگند یاد کرد که از کوفه بیرون نیامده مگر به خاطر اینکه از این جنگ کناره گیری کند ، سپس

۱۷۳ - همان ، ۱۱۴-۱۱۳ .
۱۷۴ - محمد بیگی ، پیشین ، ص ۷۴ .
۱۷۵ - شهید اول ، لمعه دمشقیه ، ترجمه علی شیروانی و محسن غرویانی ، (قم : دارالفکر ، ۱۳۷۳) ، ص ۱۶۶ .
۱۷۶ - توبه ، ۱۲ .
۱۷۷ - علی اکبر وایمنی ، « حفظ اسلام در برابر تهاجم فرهنگی » ، ترجمه رضا گرمابدری ، روزنامه جوان (ویژه) سرو قامتان) ، (۱۳۸۴/۱/۲۳) ، ص ۷ .

اضافه کرد: من می دانم اگر با این گروه نبرد کنی نخستین کشته خواهی بود و این شمشیر و اسبم را تقدیم شما می کنم امام صورت از او برگرداند و فرمود: در هنگامی که از جان خود مضایفه داری نیازی به مال تو نداریم. ۱۷۸ سپس این آیه را تلاوت کرد: «و ما کنت متخذ المضلین عضدا» ۱۷۹. اشاره به اینکه تو گمراهی و گمراه کننده، شایسته دستگیری نیست. ۱۸۰ نداشتن یار و یاور از این بهتر است که انسان از افراد آلوده و ناپاک یاری بطلبد و آنها را گرد خود جمع نماید.

نکته دیگر این است که ایجاد امنیت بر پایه عدل و قسط حتی، به خود مسلمان ترجیح دارد. [18]
«و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفیء الی امر الله فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل واقسطوا ان الله یحب المقسطین» ۱۸۱

و اگر دو طائفه از مؤمنان با هم درگیر جنگ شوند شما اهل ایمان در میان آنان صلح و صفا برقرار سازد و اگر یک طایفه بر طایفه دیگر ستم کرد که با خود خواهی حق آنان را پایمان کند شما باید با طایفه خود خواه ستمگر پیکار کنید تا آنگاه که از خودخواهی دست بردار و به فرمان خدا باز گردد سپس اگر به فرمان خدا گردن نهاد با صداقت و انصاف میان آن دو طایفه را اصلاح کنید و حتماً حق را به صاحب حق بازگردانید نه آن «که با حق کشی صلح و صفا را برقرار سازید. خداوند رحمان دادگران را دوست دارد. ۱۸۲ اگر جامعه اسلامی این روش را شیوه خود سازد، زمینه رحمت الهی را فراهم نموده است.

«انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون» ۱۸۳
سپس میان دو برابر خود را - اگر درگیر نزاع هستند - نه اصلاح کنید و از خشم خدا بترسید که با هواداری از یکی، حق آن یک را ناحق کنید باشد که مورد رحمت الهی قرار بگیرید. ۱۸۴
تشویق و تنبیه

سیاست تشویق و تنبیه بر مبنای تبشیر و انذار می تواند موجب امنیت و نظم عمومی در جامعه اسلامی گردد و به عبارت دیگر عدالت را بر مبنای تعادل تضمین نمایند به بیان دیگر وظیفه قوه قضائیه فقط تنبیه، خائنان نیست بلکه تشویق خادمان نیز باید در حیطه وظایف آنان قرار گیرد، امام علی (ع) فرموده است: «از جر المسی بثواب المحسن» ۱۸۵ «با پاداش دادن به نیکوکار بدکار را بیازار» ... ۱۸۶

-
- ۱۷۸ - محمد بیگی، پیشین، ص ۷۴.
۱۷۹ - کشف، ۵۹.
۱۸۰ - مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۶۸.
۱۸۱ - حجرات، ۹.
۱۸۲ - بهبودی، پیشین، صص ۵۲۲-۵۲۳.
۱۸۳ - حجرات، ۱۰.
۱۸۴ - مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۲، ص ۱۸۵.
۱۸۵ - محمد دشتی، کاظم محمدی، المعجم الفهرس لالفاظ نهج البلاغه، (قم: اسلامی، ۱۳۶۴)، ص ۴۴۰.
۱۸۶ - دشتی، پیشین، کلمه قصار ۱۷۷.

از نظر قرآن هیچ حرکتی نمی تواند بدون تشویق خادمان و مجازات و کیفر خطاکاران به پیروزی برسد و این همان اصلی است که ذوالقرنین از آن به خوبی استفاده کرد . ۱۸۷

قرآن از زبان وی نقل می کند : [19]

قال اما من ظلم فسوف نعذبه ثم یرد الی ربه فیعذبه عذابا نكرا و اما من امن و عمل صالحا فله جزاء الحسنی و سنقول له من امرنا یسرا.

۱۸۸

ذوالقرنین گفت : اما آن کسانی که دست به سیه کاری زده اند به زودی عذابشان خواهیم کرد و بعد از مرگ به سوی پروردگارشان باز می گردند و پروردگارشان با عذابی ناهنجارتر معذب خواهد ساخت و اما آن کسانی که ایمان آورده اند و دستاوردهای شایسته ای داشته اند ، برای آنان پاداشی است بهتر از پاداش دنیا که عطایشان خواهد شد و ما فرمان می دهیم تا رفاهیت و آسایش در اخبارشان قرار بگیرد. ۱۸۹
امام علی (ع) در فرمان معروفش به مالک اشتر که یک دستورالعمل جامع کشور داری می فرماید :

و لایکونن المحسن و المسیء عندک بمنزله سواء فان فی ذلک تزهیدا لأهل الاحسان فی الاحسان و تدریباً لأهل الاساءه ... ۱۹۰

هیچ گاه نباید نیکوکار و بدکار در نظر تو یکسان باشند ، زیرا این امر سبب می شود که نیکوکاران به کار خود بی رغبت شوند و بدکاران جسور و بی پروا گردند . ۱۹۱

در داستان سلیمان ، سوال او از طبیعت هدهد خود یک درس آموزنده است یک حکومت سازمان یافته و منظم و پرتوان ، چاره ای ندارد جز اینکه تمام فعل و انفعالاتی را که در محیط کشور و قلمرو او واقع می شود را زیر نظر بگیرد و حتی بود و نبود یک پرنده ، یک مأمور عادی را از نظر دور ندارد . ۱۹۲

آیین اسلام بر اساس عدل پایه گذاری شده است ، عدل یعنی اینکه چیزی در جای خود قرار بگیرد . « العدل وضع الشیء فی محله » .

۱۹۳

بر اساس این معیار اسلامی ، مدیریت صحیح و منطبق با اسلام مدیریتی خواهد بود که در آن اولاً کارمند خادم و خائن هر دو به یک چشم نگاه نشوند ، بلکه خائن تنبیه و خادم تشویق گردد ، ثانیاً معیار تشویق افراد تنها کار آنها و نتایج حاصله از آن باشد . ۱۹۴

۱۸۷ - مکارم شیرازی ، پیشین ، ج ۱۲ ، ص ۵۳۸ .

۱۸۸ - کشف ، ۸۷-۸۸ .

۱۸۹ - محمد باقر بهبودی ، معانی القرآن ، (تهران : مرتضوی ، ۱۳۶۵) ، ص ۳۰۷ .

۱۹۰ - دشتی ، پیشین ، نامه ۵۳ .

۱۹۱ - مکارم شیرازی ، پیشین ، ج ۱۲ ، ص ۵۳۸ .

۱۹۲ - همان ، ج ۱۵ ، ص ۴۴۱ .

۱۹۳ - دشتی ، پیشین ، حکمت ۴۳۷ .

۱۹۴ - فاضل لنگرانی ، پیشین ، ص ۱۲۷ .

اگر در مدیریت یک نظام تشویق نباشد و افراد خادم همانند افراد خائن، در کنار یکدیگر و به طور مساوی از حقوق و مزایا و سایر تسهیلات بهره مند شوند، پس از مدت زمانی در افراد این احساس به وجود می آید که کارهای خوب بی پاداش مانده و کوشش های ارجمند بر باد می رود و با این احساس، انگیزه کار بهتر و به کارگیری استعدادهای نهفته فلج شده و نظام به سستی و نابودی می گراید . ۱۹۵ .

بخش چهارم : اخلاق

یکی دیگر از مباحث مهم که جامعه از منابع و آثار مفید آن برخوردار می شود توجه به موضوعات اخلاقی است که در رشد افراد جامعه به صورت فردی و اجتماعی تأثیر بسزایی دارد .

هر چه مسئولان فرهنگ جامعه اسلامی در این راه سرمایه گذاری نمایند به امنیت و نظم عمومی جامعه یاری رسانده اند . ۱۹۶

پیامبر می فرماید : « من کظم غیطا و هو قادر غنی آن ینقذه ملاء اله آئنا و ایمانا » ۱۹۷

« هر کس خشمی را تواند آشکار کند فرو برد خدا وی را از امنیت و ایمان سرشار [20]

کند .»

همانگونه که برای سلامت جسم انسانها دو راه وجود دارد، اول بهداشت و دوم فرمان، به همین صورت اخلاق نیز به منزله بهداشت روان انسان ها است که از مفسد الزامی پیشگیری می نماید، سپس نوبت به درمان یعنی احکام می رسد به عبارت دیگر اجرای احکام ظاهراً اجتماع را پاک نگه می دارد و اخلاق علاوه بر ظاهر، باطن جامعه را هم پاک نگه می دارد و این دو با هم در کنار هم نتیجه بخش است و یکی از این دو جای دیگری را پر نمی کند، توجه به هر دو (اخلاق ظاهری و باطنی) موجب می شود که مدینه فاصله و شهر سالم ایجاد گردد . ۱۹۸ [21]

قرآن بعد از آنکه از مومنان جامعه اسلامی به عنوان برادران ایمانی یکدیگر نام برده، برای ایجاد امنیت کامل و نظم عمومی و استحکام

روحیه اخوت اسلامی، مومنین را ترغیب به رعایت دستورات شش گانه اخلاق می نماید . ۱۹۹

۱- نهی از مسخره کردن

۲- نهی از عیب جوئی

۳- نهی از القاب زشت

۴- نهی از گمان بد

۵- نهی از تجسس

۶- نهی از ترغیب

همزیستی مسالمت آمیز

۱۹۵ - همان .

۱۹۶ - محمد بیگی، پیشین، ص ۷۹ .

۱۹۷ - پاینده، پیشین، ص ۶۷ .

۱۹۸ - محمد بیگی، پیشین، ص ۷۹ .

۱۹۹ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، پیشین، ص ۱۸۵ .

یکی دیگر از عواملی که موجب می شود امنیت در جامعه سامان یابد و پایدار بماند ، همزیستی مسالمت آمیز با پیروان دیگر ادیان آسمانی و ترجیح صلح بر جنگ است باید توجه داشت که جنگ در اسلام هیچگاه به عنوان یک ارزش تلقی نمی شود بلکه از نظر که مایه ویرانی و اتلاف انسان ها و نیروها و امکانات است ضد ارزش محسوب می شود. ۲۰۰

صلح از نظر اسلام عبارت است از : همزیستی و صلح و سازشی که « نام خدا » را که عبارت از عدالت اجتماعی و امنیت عمومی برای مردم است ، روی کره زمین برقرار سازد ، نه صرف خودداری از جنگ ، به هر قیمتی که تمام شود ، حتی ، در حالی که اهریمن ظلم و فساد ، بال و پرش را روی مردم گسترده باشد . ۲۰۱

جنگ و نزاع در برخی از آیات قرآن در ردیف عذابهای الهی قرار گرفته است . [22]

قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت اوجلکم او یلبسکم شیعاً و یذیق بعضکم باس بعض .
بگو خداوند قادر است عذابی از طرف بالا - همچون صاعقه - یا از زیر پای شما - همچون زلزله - بر شما بفرستد ، یا شما را به صورت دسته های پراکنده قرار دهد و طعم جنگ و خونریزی را به گروهی از شما وسیله گروه دیگر بچشاند . ۲۰۲
در اینجا جنگ چیزی در ردیف صاعقه و زلزله و بلاهای زمینی و آسمانی شمرده شده است و به همین دلیل در اسلام تا آنجا که امکان دارد از جنگ پرهیز می شود .

در عین حال آنجا که موجودیت امتی به خطر افتد ، یا اهداف والا و مقدس او در معرض سقوط قرار گیرد جنگ یک ارزش می شود و عنوان جهاد فی سبیل الله به خود می گیرد . ۲۰۳ در منطق قرآن هم زمان با حفظ ارزش های اسلامی توجیح صلح بر ادامه جنگ خود یک سنت حسنه است . « و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم » ، « اگر آنها تمایل به صلح نشان دهد تو نیز در صلح در رأی و بر خدا تکیه کن که او شنوا و دانا است » . ۲۰۴

در پرتو این همزیستی مسالمت آمیز محیطی فراهم می شود که پیروان دیگر مکاتب بتوانند برای آشنایی با وحی الهی و شناخت مکتب اسلام به تحقیق و تفحص بپردازند که ریشه بسیاری از ناباوری ها در ناآگاهی ها است چنانکه قرآن کریم می فرماید : [23]
« و ان احد من المشرکین استجارک فاجره حتی یسمع کلام الله ثم ابغله مامنه ذلک بانهم قوم لا یعلمون » . ۲۰۵

۲۰۰ - محمد بیگی ، پیشین ، ص ۷۹ .

۲۰۱ - سید قطب ، زیربنای صلح جهانی ، ترجمه سیدهدای خسروشاهی ، به کوشش زین العابدین قربانی (تهران : نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۵۵) ، ص ۶۲ .

۲۰۲ - انعام ، ۶۵ .

۲۰۳ - مکارم شیرازی ، ج ۲۱ ، ص ۴۰۸-۴۰۹ .

۲۰۴ - مکارم شیرازی ، پیشین ، ج ۲۱ ، ص ۴۹ .

۲۰۵ - توبه ، ۶ .

« اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود آنگاه او را به سر پناهش برسان آن بدین سبب است که آنان مردمی هستند که نمی دانند » .

به بیان دیگر ، پیشرفت و پیشبرد اسلام بر اساس نشر آگاهی ها است ، روایت از امام صادق (ع) که می فرماید :
اذا كان يوم القيامة جمع عزوجل الناس في صعيد واحد وضعت الموازين فتون دماء الشهداء مع مداد العلماء فيرجع مداد العلماء على دماء الشهداء .

چون روز قیامت شود خداوند عزوجل مردم را در یک زمین سطح گرد هم می آورد و میزان ها برقرار می شود پس خون های شهیدان با مرکب دانشمندان سنجیده

می گردد ولی وزن مرکب دانشمندان بر خون شهیدان راجح و افزون باشد . ۲۰۶

بر همین اساس در بیانات مولا علی (ع) فواید اساسی صلح نیز روشن می شود . [24]
با استقرار و حاکمیت زندگی مسالمت آمیز ، ارتش و قوای مسلح از رفاه و آسایش برخوردار می شوند حاکم اسلامی نیز از آرامش و امنیت روحی لازم بهره می برد و در سایه این آرامش می تواند نابسامانی های مملکت را سامان بخشد و از همه اینها مهمتر افراد جامعه که بهترین آمالشان « امنیت » است به آن می رسند . ۲۰۷

بخش پنجم : رهبری

در جامعه ای که در رأس آن مدیری با تدبیر و با کفایت و شجاع قرار گرفته باشد و ناظر به تمام مسایل جاریه یک حکومت باشد قطعاً برقراری امنیت در آن جامعه به مراتب آسان تر از جامعه ای است که در رأس آن فرمانروایی شایسته قرار نداشته باشند ، رهبر با مدیریت صحیح و اعمال نفوذ قانونی و با عزل و نصب مسئولین امنیتی شایسته ، راه را جهت ایجاد امنیت در جامعه هموار می سازد زمامداری می تواند به این امر مهم دسترسی داشته باشد که به تعبیر حضرت علی (ع) نادان و بخیل نباشند و از رشوه خواری و بزدلی و ستمکاری میرا و منزه باشد زیرا فرمانروای ترسو بدون هیچ دلیلی مطلوب گروهی را بر گروه دیگر رجحان می بخشد و ظالم نیز نه تنها نمی گذارد که در یک مملکت امنیت ایجاد شود بلکه خود با ایجاد ظلم و ستم و قتل و غارت و تجاوز ، موجبات بی امنیتی را فراهم می گرداند . ۲۰۸

عالم که خود کامگی و تن پروری کند او خویشتن گم است کرا رهبری کند . ۲۰۹

مدیریت سالم

امنیت یک جامعه در پرتو برخورداری جامعه از یک مدیریت سالم حاصل می شود. ۲۱۰

۲۰۶ - شیخ صدوق ، من لا یحضر الفقیه ، ترجمه علی اکبر غفاری ، (تهران ، صدوق ۱۳۶۶-۶۷) ، ص ۱۵۳ .

۲۰۷ - فاضل لنکرانی ، پیشین ، ص ۱۸۸ .

۲۰۸ - طالب نژاد کاسگری ، پیشین ، ص ۲۵ .

۲۰۹ - همان ، ص ۲۶ .

از جمله عوامل آن می توان به موازین زیر اشاره کرد :

۱- تعهد

۲- تخصص

۳- توان و قدرت

قرآن از زبان حضرت یوسف (ع) که خود را شایسته پست کلیدی اقتصاد مملکت دانسته چنین می گوید : « اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم » ۲۱۱.

یوسف (ع) با پشتوانه تعهد و تخصص توانست با سه شرط ۱. تولید بیشتر ، ۲- نظارت بر مصرف ، ۳- آینده نگری عدالت اقتصادی را که یکی از ابعاد امنیت است به وجود آورد. ۲۱۲

همچنین قرآن علت شایستگی طالوت به فرماندهی در جنگ را چنین بیان کرده است . « قال ان الله اصطفاه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم » ۲۱۳ « همانا خدا او را برگزید و در جسم و پیکرش عظمتی افزود » .

از زبان دختر شعب (ع) درباره موسی چنین آمده است که : « یا ابت استاجرہ ان خیر من استاجرت القوی الامین » . ۲۱۴ امام علی (ع) گفته است که « ایها الناس ان احق الناس یهذا الامر اقواهم علیه و اعلمهم یامرالله فیه » ۲۱۵ مردم سزاوار به خلافت (حکومت) کسی است که به آن تواناتر باشند و در آن به فرمان خدا داناتر . [25]

پلیس

نیروی پلیس علاوه بر ایجاد امنیت و نظم و عدالت در جامعه نیز خود باید متخلق به اخلاق اسلامی و منصف به صفات عالیه اسلام باشند تا بتوانند مانع ارتکاب جرم گردد بدین معنا که بر اساس این حدیث که « کونوا دعاه الناس بغير السنتمکم » ۲۱۶

۲۱۰ - محمد بیگی ، پیشین ، ص ۷۴ .

۲۱۱ - یوسف ، ۵۵ .

۲۱۲ - مکارم شیرازی ، پیشین ، ج ۱ ، صص ۹-۱۱ .

۲۱۳ - بقره ، ۲۴۷ .

۲۱۴ قصص ، ۲۶ .

۲۱۵ - دشتی ، پیشین ، خطبه ۱۷۲ .

۲۱۶ - کلینی ، پیشین ، ج ۲۲ ، ص ۷۷ .

« مردم را دعوت کنید به غیر از زبان بلکه یا عملتان » باید اول از خودمان شروع کنیم و بعد در جامع آن را پیاده نماییم این یکی از صفات بارز پلیس اسلامی باید باشد که آنچه را می گوید و به عنوان تخلف از آن مانع می شود ابتدا خود رعایت کند . ۲۱۷

پلیس اگر بخواهد امنیت را به شایستگی در جامعه حاکم سازد و باید بر روحیه عظیم شجاعت و اخلاقی اسلامی برخوردار باشد . توانایی کنترل در برابر هیجانان ناشی از خشونت نظامی گری را داشته باشد و روحیه ترحم بر ضعیفان و دستگیری از ناتوانان در برابر قدرتمندان و اغنیا را دارد باشد بردبار و صبور و دارای ظرفیت قوی در برخورد با حوادث و قضایایی معمولاً ایجاد خشم و بی صبری باشد و کاری از او سرزنزد که در دید متجاوزان ترسو بی مقدار و کم ارزش جلوه کند به طوری که متخلفین به راحتی از این فرصت سوء استفاده کنند و موجبات نا امنی را فراهم سازند . ۲۱۸

نرمی ز حد مبرکه که چون دندان مار ریخت هر طفل نی سوار کند تازیانه اش ۲۱۹

خداوند درباره ارزش شغل پلیس که ارتباط با حفظ و صیانت امنیت جامعه دارد می فرماید : « من بعد خوفهم امنا یعدوننی » ۲۲۰ « و پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی ، بی هیچ شائبه شک و ریا پرستش کنند . »

عبادت در پرتو امنیت امکان دارد لذا ارزش شغل پلیس در حفظ این نعمت مهم و زیر بنایی برای حیات جامعه ، مبرهن است و باید دارای قداست و شرافت باشد از طرفی هم خود این شغل عبادت و پرستش خداوند متعال است . ۲۲۱

مسلم است تحقق عبادت و پرستش خداوند بر این شغل به انگیزه انسان از انتخاب این شغل بر می گردد اگر برای رسیدن به مادیات و علائق دنیوی این شغل مقدس را انتخاب کرده ایم که راه ضلالت و گمراهی را پیموده و عمر خود را صرفاً برای نیل به مادیات فناپذیر از دست داده ایم در صورتی که می توانستیم با انگیزه خدایی و برای کسب رضای او راه فضیلت را طی کنیم دنیا برای انسان باید به عنوان یک و نیمه مطرح باشد نه هدف و لذا نباید کارها و اعمالمان را برای رسیدن به مسائل دنیوی تنظیم کنیم بلکه توشه برای زندگی اخروی جمع آوری نماییم استفاده از دنیا به مانند این است که چاهی را برای رسیدن به آب می کنند اما از آن کندن چاه خاک ، هم برای استفاده های دیگر به دست می آید . حالت انسان با دنیا باید یک چنین حالتی باشد لذا باید با نیت عبادت وارد این شغل شریف شود تقدس و عبادی بودن شغل پلیس بسته به نیت انسان است اگر با نیت عبادت وارد شویم مسلم است ثواب عبادت را در این شغل می بریم و گرنه دچار زبان و خسران شده ایم . [26]

۲۱۷ - گروهی از نویسندگان ، پیشین ، ص ۴۱ .

۲۱۸ - طالب نژاد کاسگری ، پیشین ، ص ۲۶ .

۲۱۹ - همان .

۲۲۰ - نور ، ۵۵ .

۲۲۱ - گروهی از نویسندگان ، پیشین ، ص ۴۰ .

جمع بندی و نتیجه :

بدون تردید امنیت و احساس آسودگی اهمیت و ارزش فراوانی در زندگی بشر دارد و این سخن پسندیده به حق شهرت فراوانی یافته که گفته می شود: « بعد از نان و قبل از آزادی مهمترین خواسته بشر امنیت است » از این رو تمامی دولت ها اهم از دینی و غیر دینی در صدد تأمین آن می باشد .

امنیت از دیدگاه اسلام مهمترین شرط یک زندگی سالم اجتماعی است ، به همین جهت ابراهیم (ع) وقتی که در مکه ، خانه خدا را بنا نهاد از خداوند برای این مکان درخواست امنیت کرد علی (ع) در حکمت ۲۵۲ نهج البلاغه اسلام را به عنوان دین امنیت معرفی کرده که به برکت آن همه انسان ها - از جمله اقلیت های دینی - با کمال آرامش در کنار یکدیگر زندگی مسالمت آمیز دارند .

از این رو فلسفه تشکیل حکومت اسلامی ، برقراری امنیت در جامعه است ، امیر مؤمنان (ع) ایجاد امنیت و آرامش را تا آنجا ضروری می داند که وجود حکومت را اگر چه جائزانه باشد لازم می داند و در یک نگاه ، بسیاری از چیزهایی که در اسلام تحریم و منع شده است به این خاطر است که امنیت فردی و اجتماعی را در معرض مخاطره قرار می دهد .

اگر اسلام نسبت به مرند ، دزد ، قتل و نوشتن کتب ضلال که باعث گمراهی می شود برخورد سخت گیرانه ای صورت می دهد بدین منظور است که نوعی ثبات و مصونیت بخشی برای مسلمانان احیا کند .

در این پژوهش با توجه به آئین اسلام درصدد بر آمدیم تا ارتباط میان امنیت و قرآن و روایات را تبیین نماییم که برای رسیدن به این مهم در تعریف امنیت گفتیم که : امنیت در چهارچوب حفظ نظام اسلامی و در حدود احکام مبین اسلام می باشد و چون به تعبیر حضرت علی (ع) این اسلام است که امنیت را عطاء کرده است و اگر امنیت بخواهد وجود داشته باشد باید در چهار چوب اسلام باشد ، آزادی توطئه و بی بند و باری مخرب امنیت و ضد توسعه دینار مسلمانان می باشد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ اسلامی بودن بر این نکته تأکید شده است .

در ضرورت این مهم اشاره کردیم که اسلام امنیت را یکی از اصول زندگی و حالتی اجتناب ناپذیر در زندگی جمعی و عنصری ضروری در بهره وری از مزایا و مواهب حیات و نیز زمینه ساز تکامل بشر تلقی کرده است و از آن به عنوان یکی از مقدس ترین آرمانهای بشری و الهی یاد نموده است .

در این پژوهش به انواع امنیت (فردی و خانوادگی - سیاسی و اجتماعی - قضایی و اقتصادی) اشاره کرده و گفتیم مهمترین و حساسترین مسئول ایجاد و حفظ آن حکومت است چون امنیت همه جانبه چتری است که باید همه آحاد و اقشار جامعه از سایه آن بهره مند باشند و تنها مجرمان و اخلال کنندگان به امنیت جامعه از این چتر امنیتی خارج اند .

و از سوی دیگر تهاجم فرهنگی ، نفاق و بی توجهی به رأی عمومی از چالش های امنیتی به حساب آمده است و نظام حکومتی اسلامی که مشارکت از ارکان مهم آن است توانسته است این عوامل را خنثی کند زیرا اسلام دین ، جامع است و درد را با درمان آن بیان می کند و

صرفاً به وجود مشکل اشاره نمی کند زیرا دین اصلاح و سعادت و هدایت است ، از این رو برای یافتن راه مقابله با هر چالشی باید مجموعه هدایتها و ارائه طریق ها و معیارها و اصول و ضوابطی را که اسلام دارد مطالعه نمود و شیوه مقابله مناسب را اتخاذ کرد . بنابراین امنیت پیش شرط سایر اهداف است و مهمترین راه رسیدن به امنیت در هر جامعه ، ایجاد حکومت الهی است ، حکومتی که افراد آن از این نعمت عظیم برخوردارند و این نعمت ارزشمند را نیز پاسدارند و به راحتی در سایه امنیت پله های ترقی و نردبان سعادت و حفظ دین و پیشرفت را طی خواهند کرد . [27]

فهرست منابع

- قرآن کریم ، ترجمه ناصر مکارم شیرازی ، چ چهارم ، قم : انتشارات امیرالمؤمنین (ع) ، ۱۳۷۶ .
- الف (منابع فارسی
کتاب :
- ۱- ابن ابی الحدید ، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ، ترجمه محمود دامغانی ، ج ۹ ، ج ۲ ، بی جا ، نشر نی ، ۱۳۷۹ .
 - ۲- آشوری ، داریوش ، دانشنامه سیاسی ، ج اول ، تهران : بهارستان ، بی تا .
 - ۳- آمدی ، عبوالواحد ، غرر الحکم ، ج ۱ ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۶۶ .
 - ۴- انصاری ، خواجه عبدالله ، مقامات معنوی ، ترجمه سیمین بیبا ، ج ۳ ، ج دوم ، تهران : بی تا ، ۱۳۷۴ .
 - ۵- انصاریان ، علی ، قانون اساسی حکومت امام علی (ع) ، تهران : وزارت ارشاد اسلامی ، ۱۳۶۳ .
 - ۶- باباپور ، محمدمهدی ، درآمدی بر سیاست و حکومت در نهج البلاغه ، بی جا : آل محمد ، ۱۳۸۱ ش .
 - ۷- باهنر ، محمدجواد ، فرهنگ انقلاب اسلامی ، تهران : نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۶ .
 - ۸- برزگر ، شیرزاد ، چالش های امنیت ملی جمهوری اسلامی ، تهران : معاونت سیاسی حوزه نمایندگی ولی فقیه در نوسا ، ۱۳۸۰ .
 - ۹- تقوی دامغانی ، رضا ، مالیات در نظام اسلامی ، بی جا ، سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۶۹ .
 - ۱۰- جعفری ، محمدتقی ، سیاست و مدیریت از دیدگاه ، امام علی (ع) ، ج سوم ، بی جا : سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۶۸ .
 - ۱۱- حجازی ، فخرالدین ، نقش پیامبران در تمدن انسان ، تهران : بعثت ، بی تا .
 - ۱۲- حسینی ، سیدمحمد ، دوچهرگان ، ج دوم ، قم : تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۷ .
 - ۱۳- حسینی دشتی ، سیدمصطفی ، معارف و معاریف ، ج اول ، تهران : مؤسسه فرهنگی آرایه ، ۱۳۷۹ .
 - ۱۴- حسینی اصفهانی ، نفاق و منافق ، قم : فرهنگ قرآن ، ۱۳۸۰ .
 - ۱۵- حکیمی ، محمدرضا و محمد و علی ، الحیاه ، ج ۱ ، ج سوم ، قم : نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۶۰ .
 - ۱۶- دشتی ، محمد ، امام علی (ع) و امور قضایی ، قم : مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین ، ۱۳۷۹ .
 - ۱۷- دلشاد تهرانی ، مصطفی ، حکومت حکمت ، ج ۳ ، تهران : خانه اندیشه جوان ، ۱۳۷۸ ش .
 - ۱۸- راغب اصفهانی ، معجم مفردات الفاظ القرآن ، تهران : کتاب فروشی مرتضوی ، ۱۳۷۳ ش .
 - ۱۹- روشندل ، جلیل ، امنیت ملی و نظام بین المللی ، تهران : سمت ، ۱۳۷۴ .
 - ۲۰- زمانی ، مصطفی ، اسلام و تمدن جدید ، ج ۱۵ ، قم : پیام اسلام ، ۱۳۶۸ .
 - ۲۱- زنجانی ، عمید ، فقه سیاسی ، حقوق بین الملل اسلام ، جلد سوم ، تهران : امیرکبیر ، ۱۳۶۷ .
 - ۲۲- شهید ثانی ، شرح المعه ، ج چهاردهم ، قم : دارالعلم ، ۱۳۷۶ .
 - ۲۳- شیخ صدوق ، محمدبن علی ابن بابویه ، معانی الاخبار ، بی جا : انتشارات اسلامی ، ۱۳۶۱ .

- ۲۴- من لا يحضره الفقيه ، ترجمه علی اکبر غفاری ، تهران : نشر صدوق ، ۶۷-۱۳۶۶ .
- ۲۵- طالب نژاد کاسگری ، محسن ، « امنیت اجتماعی » ، امنیت اجتماعی ، و راهکارهای توسعه دانشگاه آزاد اسلامی ، مازندران (بهمن ۱۳۶۷)
- ۲۶- طاهری ، ابوالقاسم ، حکومت های محلی و عدم تمرکز ، تهران : فومن ، ۱۳۷۰ .
- ۲۷- علی اکبری ، حسن ، تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات و روایات و فقه ، بی جا : سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج ، ۱۳۷۵ .